

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ————— ❁

نسخه الکترونیکی

راهبردهای انتخابات سال ۹۴

برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی
خامنه ای (مدظله العالی) در سال ۱۳۹۴



موسسه پژوهشی فرهنگی
مجلس شورای اسلامی
و ترجمه و نشر آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

نسخه الکترونیکی



مؤسسه پژوهشی فرهنگی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

راهبردهای انتخابات سال ۹۴

برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در سال ۱۳۹۴

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷
تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۰۵۱۰۰ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۶۹۵
پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir. سامانه پیامکی: ۱۰۰۰ ۲۰۱۲۰. <http://Book-Khamenei.ir>
کانال تلگرامی انتشارات انقلاب اسلامی: https://telegram.me/book_khamenei

مقدمه



انسان و نظر او در جهان بینی اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است و از اینجاست که رأی مردم در مباحث سیاسی اسلام، نقش اساسی و تعیین کننده دارد.

می توان با نگاه به سیره ی سیاسی پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم علیهم السلام، شواهد فراوانی برای این امر پیدا نمود. اگرچه مشروعیت حکومت اسلامی از ولایت الهی نشأت می گیرد اما مقبولیت آن همواره نیازمند حضور مؤثر آحاد مردم است. از سویی دیگر اصل حضور مردم است که به تشکیل حکومت می انجامد و مردمنده که در مواقع لزوم، پاسداری نظام را برعهده خواهند گرفت.

نگاه به مردم و اهتمام به آرای آنان، از شاخصهای مکتب سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) است و از این روست که پس از سقوط رژیم منحوس شاهنشاهی، اولین اقدام امام بزرگوار ما مراجعه به آرای عمومی بوده است.

رژیم پهلوی و سلسله های پیش از آن، کوچکترین سهمی را برای نظرات آحاد جامعه قائل نبودند و انتخابات آن دوران بیشتر پوششی بود بر تن استبداد شاهان. بسیاری از مردم از آمد و شد نمایندگان اطلاعی نداشتند و در طول عمر خود یکبار هم صندوق رأی را ندیده بودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه ملت ایران به سیاست تغییر کرد و حضور در صحنه‌های سیاسی به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی قلمداد گردید. اعتماد مردم به نظام اسلامی باعث شد که نصابهای بسیار چشمگیر و کم سابقه در پای صندوقهای رأی شکل گیرد. اکنون نظام مقدّس ما از مردمی‌ترین حکومتهاست. در این نظام حتّی رهبر جامعه با واسطه انتخاب می‌گردد و از رأی مردم به عنوان حقّ الناس صیانت می‌گردد.

شایان ذکر است که بین انتخابات در جمهوری اسلامی و انتخابات در دیگر حکومتها تفاوت جدّی وجود دارد. انتخابات در بسیاری از نقاط جهان، جنگ بر سر قدرت است در حالی که انتخابات در نظام اسلامی، رقابتی برای دست‌یابی بهترین فرد برای مسئولیتهاست.

بر این اساس است که باید انتخابات تراز جمهوری اسلامی برخوردار از ویژگیهای خاص خود باشد. در این عرصه هر یک از افراد مؤثر در امر انتخابات وظایفی را برعهده خواهند داشت. در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) بروشنی وظایف هر یک از افراد، اقشار و نهادهای مرتبط با انتخابات مشخص شده است. انتشارات انقلاب اسلامی در آستانه‌ی انتخابات دوره‌ی پنجم خبرگان رهبری و دوره‌ی دهم مجلس شورای اسلامی، مجموعه‌کتابهایی را در موضوع انتخابات و با بهره‌گیری از بیانات معظمّله تدوین نمود که اثر حاضریکی از آنهاست.

با توجّه به اینکه انتشار نسخه‌ی مکتوب اثر، نمی‌توانست در زمان لازم به دست مخاطبان برسد، انتشارات انقلاب اسلامی، نسخه‌ی دیجیتالی این کتاب را در فضای مجازی قرار می‌دهد تا به‌هنگام پاسخگویی نیاز مخاطبان انقلابی باشد.

این اثر حاوی تمامی بیانات معظمّله از ابتدای سال ۹۴ تا ۲۸ بهمن می‌باشد و با انتشار رهنمودهای جدید، به‌روز می‌شود.

و من الله التوفیق

فهرست مطالب



۱.....	خرداد.....
۱.....	لزوم بی‌توجهی نمایندگان حاضر در مجلس نسبت به انتخابات
۱.....	جایگاه انتخابات در اصول امام (قدس سره).....
۵.....	تیر.....
۵.....	تشکلهای یکبار مصرف انتخاباتی دانشجویی.....
۵.....	تهمت استبدادی بودن به نظام توسط آمریکاییها.....
۷.....	شهریور.....
۷.....	نقش آرامش‌بخشی مجلس خبرگان.....
۸.....	دو انتخاب مهم در مجلس خبرگان.....
۹.....	ضرورت استقلال فکری برای مجلس خبرگان.....
۱۱.....	اشتباه بودن انتخاباتی کردن زود هنگام فضای کشور.....
۱۲.....	انتخابات؛ مظهر کامل حضور مردم.....
۱۲.....	اهتمام نظام در برگزاری بهنگام انتخابات از ابتدای انقلاب.....
۱۳.....	نظام جمهوری اسلامی؛ یک نظام مردم‌سالار به معنای واقعی.....
۱۳.....	انتخابات ایران از سالمترین انتخابات‌ها در دنیا.....
۱۴.....	عادت بد برخی در خدشه کردن به انتخابات.....
۱۴.....	اعتماد مردم به نظام در امر انتخابات.....
۱۴.....	نقش شورای نگهبان در مراقبت از انتخابات.....
۱۵.....	رای مردم؛ حقّ الناس.....
۱۵.....	وجود نهادی با کارکرد شورای نگهبان در همه‌ی دنیا.....
۱۶.....	حقّ نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ از مصادیق حقّ الناس.....
۱۶.....	نقش حضور پرشور مردم در حفظ کشور.....

- آبان..... ۱۷
- نقش کار فرهنگی صحیح در دانشگاه در جلوگیری از تکرار فتنه‌ی ۸۸..... ۱۷
- دی..... ۱۹
- ضرر شروع زود هنگام بحث‌های انتخاباتی..... ۱۹
- نعمت بزرگ انتخابات..... ۱۹
- انتخابات؛ از برکات نگاه روشن و عمیق امام (قدس سرّه)..... ۲۰
- گله از تشکیک‌کنندگان در سلامت انتخابات..... ۲۱
- مقصود از حق الناس بودن انتخابات..... ۲۲
- حضور حداکثری در انتخابات؛ موجب استحکام نظام..... ۲۵
- لزوم جلوگیری از ورود نفوذیها به مجلس شورای اسلامی و خبرگان..... ۲۵
- اهمیت روشنگری صحیح نسبت به نفوذیها..... ۲۶
- احساس خطر دشمن از صدور انقلاب؛ عامل تلاش او برای نفوذ..... ۲۶
- چشم طمع آمریکا به انتخابات..... ۲۷
- وظیفه‌ی مردم؛ حرکت بر ضدّ خواست دشمن..... ۲۸
- تقابل ملت ایران و دشمنان بر سر ماندگاری انقلاب..... ۲۸
- طرح ابتکاری آمریکا برای انجام کودتای رنگین در سال ۸۸..... ۲۹
- ضرورت تأمین عناصر ماندگاری انقلاب..... ۳۰
- انتخابات؛ دمیدن یک نفس تازه به ملت..... ۳۱
- شرکت پرشور در انتخابات؛ از عناصر حفظ‌کننده‌ی کشور و انقلاب..... ۳۱
- ضرورت تلاش برای انتخاب صالح..... ۳۲
- اهمیت مجلس شورای اسلامی..... ۳۲
- لزوم رأی دادن بر اساس فهرست احزاب انقلابی و مؤمن..... ۳۳
- مأجور بودن رأی‌دهندگان بر اساس تحقیق..... ۳۴
- اهمیت مجلس خبرگان..... ۳۴
- نقش شناخت شاخصهای انقلابیگری در ماندگاری انقلاب..... ۳۵
- بیشتر بودن رویشهای انقلاب نسبت به ریزشها..... ۳۵
- بیعت با پیامبر (ص) و جانشینان بحق او؛ عامل فرود آمدن آرامش الهی..... ۳۶
- شبهات انتخابات به رقابتهای ملی بین آحاد کشور..... ۳۷
- عناصر تأمین‌کننده‌ی سلامت انتخابات..... ۳۸
- شکرگزاری نسبت به نعمت بزرگ انتخابات با برگزاری سالم انتخابات..... ۴۳
- لزوم صبر و استقامت برای دست‌اندرکاران انتخابات..... ۴۳
- عیدی برای انتخابات..... ۴۳
- انتخابات؛ تزریق خون تازه در کالبد نظام جمهوری اسلامی..... ۴۴
- انتخابات؛ از بین‌برنده‌ی طرح دشمن برای دوقطبی کردن کشور..... ۴۴
- یاری جمهوری اسلامی؛ بزرگ‌ترین مصداق «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»..... ۵۴

- ۴۶ سکوت رهبری درباره‌ی حرفه‌های تردیدافکن
 ۴۶ عزّت و ایستادگی در برابر دشمن با انتخابات
 ۴۷ ضرورت پرهیز مسئولان از فراموش کردن مسائل اصلی کشور در دوران انتخابات
 ۴۷ وظیفه‌ی مسئولان؛ مقاوم‌سازی کشور در قلمرو اقتصاد
 ۴۹ بهمن
 ۴۹ خسته نشدن از تکرار مطالب لازم از جمله در زمینه‌ی انتخابات
 ۴۹ عزّت ملت ایران؛ دلیل خشم و دشمنی‌های آمریکا و دنباله‌روانش
 ۵۰ ضرورت بیان نیّت دشمن به مردم توسط رهبری
 ۵۱ تغییر استراتژی دشمن از برگزار نشدن انتخابات به خراب کردن آن
 ۵۱ یکی از توطئه‌های جدی دشمن؛ تخریب شورای نگهبان
 ۵۲ اهداف خطرناک دشمن از تخریب شورای نگهبان
 ۵۳ نقش بسیار مهم مجلس شورای اسلامی در ریل‌گذاری حرکت دولت
 ۵۴ اهمیّت بیشتر مجلس خبرگان از جهت اصولی و زیربنایی
 ۵۴ دخالت آشکار انگلیسیها در انتخابات
 ۵۵ لزوم اقدام کردن عکس خواسته‌های دشمن
 ۵۵ انتخابات؛ مظهر بیداری و دفاع از استقلال و انقلاب اسلامی

خرداد



لزوم بی‌توجهی نمایندگان حاضر در مجلس نسبت به انتخابات

يك توصیه مربوط به نحوه‌ی رفتار دوستان- آقایان و خانمها- در این سال آخر است؛ مراقب باشید که عامل انتخاباتِ آخر سال، بر نحوه‌ی اقداماتی که در این سال می‌کنید، اثر نگذارد؛ این خیلی مهم است. کاری که انجام می‌دهید، حرفی که می‌زنید، تأییدی که می‌کنید، مخالفتی که می‌کنید، نطقی که می‌کنید، تحت تأثیر عامل انتخاباتِ آخر سال نباشد؛ فرض کنیم چنین انتخاباتی وجود ندارد، معیار را همان حق قرار بدهید در این يك سالی که باقی مانده.^۱

جایگاه انتخابات در اصول امام (قدس سرّه)

اگر ملت ایران بخواهد به آن هدفها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران

۱. (۰۶ / ۰۳ / ۱۳۹۴) در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آغاز چهارمین سال دوره‌ی نهم

سیلی خواهد خورد... آنچه را من امروز عرض میکنم جزو مسلمات منطبق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام است:

... سوّم؛ اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ این از جمله‌ی خطوط اصلی حرکت امام است. در آن روزها سعی میشد به خاطر يك برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول و وابسته شود؛ امام بارها و بارها هشدار میداد- و این هشدارها در بیانات ایشان به طور واضح منعکس است- که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی، اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی. این را توجه کنند: امام از اول پشتیبان ارتش بود؛ کسی که مانع از انحلال ارتش در کشور شد، شخص امام بود، با وجود این، نیروی سپاه را به وجود آورد، بعد هم نهاد بسیج را به وجود آورد؛ حرکت نظامی را يك جریان مردمی قرارداد. در مسائل اقتصادی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل سازندگی کشور، تکیه‌ی به مردم، که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه‌ی به مردم؛ و بالاتر از همه مسئله‌ی انتخابات کشور و آراء مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور. در تمام طول این مدّت- دوران حاکمیت امام بزرگوار ما ده سال است؛ از این ده سال، هشت سال در این کشور جنگ بود؛ شهرها بمباران میشد؛ جبهه‌ها مشغول جنگ بودند- که شاید در حدود ده انتخابات در کشور انجام گرفت، انتخاباتهای گوناگون يك روز از تاریخ مقرر خودش عقب نیفتاد؛ در همه‌ی مراحل، در همه‌ی احوال، در همه‌ی شرایط، امام بزرگوار اصرار داشت که انتخابات در وقت مقرر خود انجام بگیرد. اینکه در بعضی از کشورها معمول است حالت فوق العاده اعلام میکنند، امام يك روز حالت فوق العاده اعلام نکرد، به انتخابات اهمّیت میداد. در روز انتخابات جزو اولین کسانی که پای صندوق رأی حاضر میشد، شخص امام بزرگوار بود؛ اعتقاد به مردم، و به معنای حقیقی کلمه احترام برای آراء مردم و افکار مردم و تشخیص مردم قائل بود؛ ممکن بود آن چیزی را که مردم

انتخاب میکنند، مورد نظر امام در يك موردی هم نباشد اما درعین حال برای آراء مردم احترام قائل بود، آنها را محترم می‌شمرد، آنها را معتبر می‌شمرد، این هم یکی از چیزها است. امام در مورد مردم به اینها هم اکتفا نکرد، مردم را ولی نعمت مسئولان معرفی کرد؛ مکرراً امام ذکر کردند که این مردم ولی نعمت ما هستند؛ مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد؛ می‌گفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند؛ این خیلی حرف بزرگی است، نشان دهنده‌ی جایگاه برجسته‌ی مردم و افکار مردم و آراء مردم و حضور مردم در نظر امام است؛ مردم هم پاسخ مناسب دادند؛ در صحنه حضور پیدا کردند؛ آنجایی که انگشت اشاره‌ی او بود، مردم با جان و دل در آنجا حاضر شدند. این متقابل بود؛ امام به مردم اعتماد داشت، مردم به امام اعتماد داشتند؛ امام مردم را دوست داشت، مردم امام را دوست داشتند؛ این رابطه‌ی متقابل، يك امر طبیعی است.^۱

۱. (۱۴/۰۳/۱۳۹۴) در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله در حرم مطهر امام خمینی رحمه الله.



تشکلهای یکبار مصرف انتخاباتی دانشجویی

البته خب، تشکلهایی هم هستند که مثل ظرفهای یکبار مصرف، فقط برای انتخابات به وجود می‌آیند؛ مصرفش فقط انتخابات است. بعضی از تشکلهای این جوری هستند؛ تشکل را درست میکنند، خجالت هم نمیکشند بعضی‌ها،^۱ میگویند هم که این تشکل را درست کردیم برای اینکه در انتخابات فلان جا به دردمان بخورد. خب بابا! اینکه اهانت به دانشجو است؛ نگاه ابزاری به دانشجو، آن هم دانشجوی نخبه‌ای که حالا در یک تشکل بنا است گرد بیاید، این اهانت به او است. مگر انتخابات چقدر قیمت دارد که انسان به خاطر آن، دانشجو را تحقیر کند؛ آن هم دانشجوی نخبه را. این تشکلهای را بنده اعتقادی ندارم و معتقد نیستم که اینها به نفع کشورند یا میتوانند مفید باشند برای کشور؛ [تشکیل] آنها را توصیه نمیکنیم، لکن تشکلهایی که واقعاً اسلامی‌اند، علاقه‌مندند و در خدمت انقلاب و اسلام و آینده‌ی کشورند، میتوانند خیلی مفید باشند.^۲

تهدید استبدادی بودن به نظام توسط آمریکاییها

الان هم شما دارید اشتباه میکنید. اشتباهات گذشته را میگویند؛

۱. خنده‌ی حصار

۲. (۱۳۹۴ / ۰۴ / ۲۰) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در بیست و چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ در حسینیه‌ی امام خمینی رحمه‌الله.

بیست و هشتم مرداد را میگویند؛ میگویند ما اشتباه کردیم. بله، خیلی اشتباه بزرگی کردید اما الان هم دارید اشتباه میکنید؛ با مستبدترین رژیمها دست دوستی میدهید، دستتان دريك كاسه است، آن وقت نظام جمهوری اسلامی را که صدرتا ذیلش با انتخابات به وجود می آید، میگویید نظام مستبد! شما با انصافید؟ شما آمریکاییها، شما سیاستمداران آمریکا در نهایت بی انصافی حرف میزنید و قضاوت میکنید؛ [حتی در مورد] واقعیات واضح. انسان تعجب هم میکند؛ اینها چه رویی هم دارند! با دولتهایی که اجازه نمیدهند ملت‌هایشان اسم انتخابات به گوششان بخورد- که در بعضی از این کشورها اگر کسی در خیابان، اسم انتخابات را بیاورد، میگیرند می اندازند زندان و سرنوشتش معلوم نیست چه خواهد شد- رفیق، هم کاسه، برادر، عقد اخوت بسته، آن وقت نظام جمهوری اسلامی را که در طول سی و شش سال، سی و چند انتخابات داشته، میگویند استبداد! اینها قابل اعتمادند؟ اینکه ما میگوییم به اینها نمیشود اعتماد کرد، این است.^۱

۱. (۲۷ / ۰۴ / ۱۳۹۴) در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید سعید فطر.

شهریور



نقش آرامش بخشی مجلس خبرگان

اهمیت مجلس و اعضای مجلس به نحوی است که انسان واقعاً احساس میکند که حضور شما در هر جایی ان شاء الله مایه‌ی برکت خواهد بود. مجلس خبرگان میتواند مظهر تام و تمام این انزال سکینه‌ی الهی باشد؛ چون این انزال سکینه‌ی الهی از نشانه‌های ایمان است: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ این سکینه‌ی الهی، مایه‌ی ازدیاد ایمان و مایه‌ی تقویت ایمان است. معنای سکینه هم آرامش در مقابل تلاطم است؛ حوادث گوناگون، خبرهای گوناگون، دشمنی‌ها، وضعیتهای مختلف، در روح انسانها به طور طبیعی تلاطم ایجاد میکند. این آرامش خیلی از اوقات مایه‌ی استقرار فکر و ذهن و استقامت در طریق میشود. خدای متعال این سکینه را، آرامش را به مؤمنین میدهد به برکت ایمانشان و به آنها خاطر جمعی میدهد که «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». از چه انسان واهمه کند؟ همه‌ی نیروهای زمین و آسمان، همه‌ی سنن طبیعت، جنود الهی هستند و متعلق به خدایند؛ اگر ما مؤمن باشیم، اگر ما بنده‌ی خدا باشیم، این نیروها در خدمت مؤمنین قرار میگیرند. این همان آرامشی است که انسان پیدا میکند. باز در یکی دو آیه‌ی بعد [میفرماید]: وَ

لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا؛ این عزت الهی و قدرت الهی، نشانه‌ی همین «لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» است. مؤمنین در یک چنین عالمی، در یک چنین فضایی حرکت میکنند، زندگی میکنند و تنفس میکنند. مجلس خبرگان یکی از جاهایی است که میتواند منبع و منشأ یک چنین آرامشی باشد.

دو انتخاب مهم در مجلس خبرگان

دو انتخابات مهم در این مجلس انجام میگیرد: یکی انتخاب به وسیله‌ی مردم که معتمدین خودشان را معین میکنند و انتخاب میکنند که این معتمدین عمده‌ی کارشان هم انتخابی است که بعداً آنها خواهند کرد؛ انتخاب دوم، [یعنی] انتخاب رهبری. دو انتخاب در اینجا وجود دارد؛ یعنی مجلس خبرگان مظهر حضور مردم و مظهر مردمی بودن و دخالت آراء مردم و سلیق مردم است؛ هیچ نهاد دیگری را ما به این شکل نداریم که دو انتخاب در دل آن وجود داشته باشد که نشان‌دهنده‌ی اراده‌ها و نیت‌های مستقل باشد. انتخاب دوم هم انتخاب رهبری است؛ در اینجا تفاوتش با سایر انتخابات‌های جمعی این است که اینجا ملاک و معیار عبارت است از فقه؛ یعنی ارزشهای اسلامی. بنابراین انتخاب آنها انتخابی است برای حاکمیت ارزشهای اسلامی، برای اجرای احکام اسلامی، برای تحقق اسلام در واقعیت زندگی. ادیان الهی نیامده‌اند که فقط در اذهان باقی بمانند؛ باید در واقعیت زندگی تحقق پیدا کنند. خب، این ابزار و وسایلی لازم دارد؛ اینجا این ابزار، مجلس خبرگان است که از این طریق تضمین میکند حاکمیت ارزشهای الهی را و اجرای احکام الهی را و حاکمیت دین خدا را و حاکمیت اسلام را. بنابراین، این مجلس همچنین مظهر آراء مردم و مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی هم هست؛ یعنی مظهر مردم‌سالاری اسلامی

۱. همان، آیه‌ی ۷؛ «و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خدا است، و خدا همواره شکست‌ناپذیر
سنجیده‌کار است.»

به طور کامل و تام و تمام در واقع این مجلس است؛ اهمّیت مجلس اینجا است. وقتی این مجلس تشکیل میشود و آمادگی خود و استقلال فکری خود و آگاهی خود را نشان میدهد، این موجب سکینه و آرامش در دل‌های مؤمنین میشود؛ در واقع این سکینه‌ی الهی، سرریز میشود از این مجلس به داخل جامعه. بنابراین مهم این است که در مراحل هر دو انتخاب بایستی دقّت لازم انجام بگیرد؛ هم انتخاب مردمِ خبرگان را، هم انتخاب خبرگان رهبر را؛ دقتهای لازم و استقلال فکری بایستی به طور کامل مراعات بشود. حالا در باب انتخابات ما عرایضی داریم که بعدها عرض خواهیم کرد؛ اینجا نمیخواهیم وارد آن موضوع بشویم.

ضرورت استقلال فکری برای مجلس خبرگان

مجلس خبرگان بایستی استقلال فکری داشته باشد که حالا عرض میکنم این استقلال فکری بر چه مبنا است. عمده این است که اسیر کلیشه‌های تحمیلی نظام سلطه نباید بشود. يك تفكراتی، يك مفاهیمی از سوی تبلیغات پُرحجم نظام سلطه، به طور شبانه‌روزی در سرتاسر عالم دارد پراکنده میشود؛ یکی از مهم‌ترین مسائل این است که ما باید اسیر نشویم. این سفارش فقط به مجلس خبرگان نیست، این سفارش به همه‌ی مسئولان کشور است، به همه‌ی ارکان نظام است بلکه سفارش به همه‌ی صاحب‌نظران است - صاحب‌نظران سیاسی، صاحب‌نظران اجتماعی، صاحب‌نظران دینی - که مراقب باشند: **وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَمَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱** این را بدانند. این جور نیست که چون حالا با يك حجم عظیمی از تبلیغات بر روی يك موضوعی تمرکز میکنند، تکیه میکنند، تکرار میکنند، با زبانهای مختلف آن را بیان میکنند، ناچار ما هم بایستی هم‌رنگ جماعت بشویم و همان را مطرح کنیم، همان را تکرار کنیم؛ نه، ما

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۶: «وَأَكْثَرُ بِيَشْرِكَايَا كَمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین میباشند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه میکنند...»

خودمان مبانی داریم، ما فکر داریم.

استکبار در صدد آن است که کلیشه‌های مورد نظر خودش را به همه‌ی مردم دنیا تحمیل کند؛ هم به آحاد ملت‌ها، هم بالخصوص به مسئولان و مؤثران کشورها؛ یعنی دولت‌ها، نمایندگان مجالس، تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، به قول خودشان اتاق‌های فکر، به همه‌ی اینها می‌خواهند آن کلیشه‌های خودش را تحمیل کنند و آن را وارد ذهن آنها و فضای ذهنی آنها بکنند. مایلند همه، جهان را از منظر آنها ببینند؛ مفاهیمی را که آنها بر روی آن تکیه میکنند، با همان رویکرد آنها، با همان نگاه آنها تشخیص بدهند و بشناسند. این رویکرد، رویکرد سلطه‌طلبانه است؛ با این رویکرد سلطه‌طلبانه مفاهیمی را یا جعل میکنند یا دست‌کاری میکنند و معنا میکنند و مایلند همه، طبق معنای آنها این مفاهیم را بفهمند و به‌کار بگیرند و در ادبیاتشان از آنها استفاده کنند. فرض بفرمایید تروریسم یک مفهومی است که استکبار آن را در یک معنای خاصی به‌کار میبرد؛ یا حقوق بشر یا دموکراسی. فرض بفرمایید که شش ماه بمباران یمن و کوبیدن خانه‌ها و مدارس و بیمارستان‌ها و مانند اینها تروریسم نیست؛ مکرر در مکرر حمله کردن به مناطق فلسطینی‌ها در غزه و غیر غزه و کشتن صدها بلکه هزارها کودک و زن و مرد بی‌گناه و انسان بی‌دفاع تروریسم نیست؛ اینکه مردم بحرین می‌گویند که ما هر نفر در داخل این کشور یک رأی داشته باشیم، این ربطی به حقوق بشر ندارد، این مطالبه‌ی حقوق بشر نیست؛ اما دفاع نیروهای مقاومت در فلسطین و لبنان تروریسم است؛ گروه‌هایی که در لبنان یا در فلسطین مقاومت میکنند، با اشغالگر می‌جنگند، از سرزمین خودش را از خانه‌ی خودش دفاع میکنند، اسمش تروریسم است! آنچه در کشورهای مستبد دنیا- که جزو اطرافیان و حلقه‌ی نزدیک سلطه و آمریکا در این منطقه محسوب میشوند- می‌گذرد، ضد حقوق بشر نیست؛ اما فرض کنید مجازات مجرمی که اعتراف به جرم کرده و میکند یا مجازات یک اخلاک‌گری که ده‌ها یا صدها یا هزارها نفر را در یک کشور معتاد میکند به مواد مخدر،

میشود ضدّ حقوق بشر! اینها این جور هستند؛ یعنی مفاهیم را خودشان معنا میکنند؛ میخواهند آن جور که خودشان معنا میکنند، دیگران [هم] آن جور بفهمند و با ادبیات آنها حرف بزنند. ترور دانشمندان هسته‌ای تروریسم نیست - درحالی‌که صهیونیست‌ها تقریباً به صراحت اعتراف کردند که کار آنها بود؛ بعضی از کشورهای اروپایی تقریباً اعتراف کردند به اینکه آنها پشتیبان این کار بودند - و اصلاً جزو تروریسم محسوب نمیشود و محکوم کردن لازم ندارد؛ [اما] يك حادثه‌ی خیلی کوچک‌تر از این که فرض کنید در لبنان یا در يك جای دیگری اتفاق می‌افتد، برایش جلسه‌ی شورای امنیت تشکیل میدهند! یعنی نگاه آنها به مسائل جهانی این است؛ مفاهیمی را دست‌کاری میکنند، مفاهیمی را وضع میکنند، يك فهمی را به‌طور مستبدانه نسبت به يك مفهومی ابراز میکنند و توقع دارند همه‌ی دنیا از جمله ما در جمهوری اسلامی بر طبق فهم آنها بفهمیم، از منظر آنها ببینیم، بر طبق ادبیات آنها حرف بزنیم؛ این را از ما انتظار دارند؛ این یکی از نشانه‌ها و مظاهر واضح سلطه و استکبار است؛ درحالی‌که خود انقلاب اسلامی يك منظومه‌ی فکری دارد.^۱

اشتباه بودن انتخاباتی کردن زود هنگام فضای کشور

يك جمله در باب مسئله‌ی انتخابات عرض بکنیم.^۲ مسئله‌ی انتخابات یکی از مسائل فعلی و نقد ما است. البته برخی متأسفانه از يك و نیم سال پیش، دو سال پیش از انتخابات شروع کردند مسائل انتخابات را مطرح کردن؛ این به نظر ما مصلحت نیست؛ فضای کشور را بی‌موقع نباید فضای انتخاباتی کرد؛ از يك و نیم سال پیش - که تقریباً دو سال به انتخابات

۱. (۱۲ / ۰۶ / ۱۳۹۴) در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری پس از برگزاری هجدهمین اجلاس دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری.

۲. دهمین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره‌ی انتخابات مجلس خبرگان رهبری، در اسفند سال جاری برگزار خواهد شد.

امسال مانده بود که آخر سال است - بعضی‌ها شروع کردند در مطبوعات و در حرفها، راجع به انتخابات حرف زدن، بحث کردن. وقتی فضای انتخاباتی در کشور به وجود می‌آید، بسیاری از مسائل اصلی جامعه به حاشیه می‌رود و فراموش می‌شود. خب، فضای انتخابات، فضای رقابت و تعارض است؛ ما چرا بیخود این فضای رقابت را، فضای تعارض را، بکشانیم به یک سال دو سال قبل؟ شروع زودهنگام این بحثها به نظر ما مصلحت نیست. لکن حالا چرا؛ الان که سه چهار ماه مثلاً به انتخابات باقی است، جای آن است که راجع به انتخابات عریضی عرض بشود. حالا من امروز برخی از نکات را عرض میکنم و در آینده هم اگر عمری بود و زنده بودیم، عریضی در باب انتخابات خواهیم داشت.

انتخابات؛ مظهر کامل حضور مردم

مسئله‌ی انتخابات برای کشور، مسئله‌ی بسیار مهمی است. انتخابات، مظهر کامل حضور و انتخاب مردم است. مردم با حضور خودشان در صحنه‌ی انتخابات - چه در انتخابات ریاست جمهوری، چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، چه در انتخابات مجلس خبرگان - مردم سالاری واقعی را در این کشور شکل میدهند؛ این خیلی مهم است.

اهتمام نظام در برگزاری بهنگام انتخابات از ابتدای انقلاب

ما این را در طول این سی و شش سال، سی و هفت سالی که از اوّل انقلاب گذشته است، نگذاشتیم تعطیل بشود یا تأخیر بیفتد. در کشورهای گوناگون وقتی جنگ میشود یا یک حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، انتخابات را عقب می‌اندازند، [اما] در ایران انتخابات یک روز از موعد مقرر خودش عقب نیفتاده است؛ در هیچ برهه‌ای از برهه‌ها. تهران بمباران میشد، شهرهای خوزستان و ایلام و کرمانشاه و بقیه‌ی جاها بمباران میشد، در عین حال انتخابات در موعد معین انجام میگرفت. در اقصی نقاط کشور همین جور

بود؛ در روستاها و [حتی] در جاهایی که رفت و آمد سخت است. انتخابات در این کشور تعطیل نشده است. بعضی میخواستند تعطیل کنند انتخابات را- در بعضی از دوره‌ها برخی از آدمهای سیاست باز و سیاست زده سعی شان این بود که انتخابات را تعطیل کنند یا عقب بیندازند- [اما] به توفیق الهی جلوی اینها گرفته شد و انتخابات در موعد معین انجام گرفت. این اهمّیت انتخابات است. خب، به همین دلیل هم هست که بحمدالله انتخابات ما مظهر مردم سالاری است.

نظام جمهوری اسلامی؛ يك نظام مردم سالار به معنای واقعی

نظام جمهوری اسلامی يك نظام مردم سالار به معنای واقعی است. خب، دشمن البتّه حرف میزند؛ آمریکایی‌ها و عوامل تبلیغاتی شان دائماً علیه انتخابات ما به شکلهای مختلف حرف میزنند. آمریکایی‌ها بیست و پنج سال در دوران رژیم طاغوت، در ایران حضور داشتند، [اما] مجلسهای شورای فرمایشی و مسخره‌ی آن روز، يك بار مورد انتقاد آمریکایی‌ها قرار نگرفت. اگر به تاریخ مراجعه کنید و قضایای انتخابات دوران محمدرضا را بخوانید- و قبل از آن هم بدتر از آن، دوران رضاشاه- [اول] که انگلیس‌ها در اینجا مسلط بودند و بعد هم آمریکایی‌ها مسلط شدند، يك بار به این انتخابات فرمایشی نمایشی مسخره اعتراض نکردند؛ الان هم به رژیمهای مستبد و دیکتاتور و وراثتی‌ای که در این منطقه هست، يك کلمه اعتراض نمیکنند، اما به ایران که این جور پشت سر هم انتخابات انجام گرفته است و همه‌ی ارکان نظام- از رهبری نظام و رئیس جمهوری نظام، تا نمایندگان مجلس، تا نمایندگان خبرگان، تا نمایندگان شوراهای شهری- به وسیله‌ی مردم انتخاب میشوند، دائم اعتراض میکنند، اشکال میکنند، ایرادهای دروغین میکنند.

انتخابات ایران از سالمترین انتخابات‌ها در دنیا

انتخابات‌های ما بحمدالله در این مدّت، انتخابات‌های سالمی بوده

است. نکته‌ای که بنده می‌خواهم عرض بکنم این است که انتخابات‌های ما انتخابات‌هایی بوده است که بر طبق معیارهای متعارف بین‌المللی، یکی از بهترین و سالم‌ترین انتخابات بوده است با نصاب شرکت بالای مردم.

عادت بد برخی در خدشه کردن به انتخابات

متأسفانه یکی از عاداتهای بدی که بعضی در داخل دارند، این است که دائماً در سلامت انتخابات در هر دوره‌ای خدشه کنند. از قبل از انتخابات مکرراً بزنند از تقلب، از دغدغه، از اینکه چنین بشود، چنان بشود؛ این کار غلطی است. در طول این سی و هفت سال، مردم به خاطر اعتمادی که در دوره‌های مختلف و دولتهای مختلف به نظام داشتند، در عرصه‌ی انتخابات شرکت کردند، حضور پر شور پیدا کردند. چرا بعضی‌ها به دست خودشان این اعتماد را می‌خواهند خدشه دار کنند؟

اعتماد مردم به نظام در امر انتخابات

مردم به نظام اعتماد دارند. وقتی انتخابات هست، می‌آیند وارد انتخابات میشوند و رأی میدهند؛ چرا انسان بایستی این را خدشه دار بکند با دغدغه‌های بیخود و دروغین که نبادا [تخلّفی بشود].

نقش شورای نگهبان در مراقبت از انتخابات

خب، معلوم است؛ اجازه داده نمیشود؛ مراقبتهای شدید انجام میگیرد. یکی از بزرگ‌ترین برکات وجود شورای نگهبان همین است که مراقبند؛ مراقب خطا و اشتباهند و اجازه نمیدهند تخلّفی انجام بگیرد؛ دیگر دستگاه‌ها هم همین جور. در طول این سالها هم گاهی در بعضی از دوره‌ها به ما گزارش میشد که انتخابات اشکال پیدا کرده است؛ ما دستور میدادیم میرفتند تحقیق میکردند، معلوم میشد که نخیر، این جوری نیست.

گاهی ممکن است در گوشه و کنار يك تخلفی انجام بگیرد که در نتیجه‌ی انتخابات هیچ تأثیری نداشته باشد- آن مهم نیست- [اما] انتخابات در همه‌ی دوره‌ها سالم است.

رأی مردم؛ حقّ النَّاس

رأی مردم هم به معنای واقعی کلمه حقّ النَّاس است؛ حقّ النَّاس است. وقتی می‌آید برادر و خواهر ایرانی در انتخابات شرکت میکنند و رأی در صندوق می‌اندازد، رعایت این حقّ او واجب شرعی است، واجب اسلامی است؛ در این امانت او نباید خیانت کرد؛ واقعاً حقّ النَّاس است. نتیجه‌ی آراء هم هرچه شد، بایستی به آن ملتزم بود؛ این هم حقّ النَّاس است. اینکه ما در سال هشتاد و هشت در مقابل کسانی که اصرار میکردند باید انتخابات باطل بشود ایستادیم، به خاطر همین بود که از حقّ النَّاس دفاع کردیم. چهل میلیون [نفر]- بالاترین نصاب انتخابات- در سال هشتاد و هشت در [دادن] آراء شرکت کردند. خب، يك نتیجه‌ای داد. هرکسی [هم] برنده‌ی این انتخابات میشد، ما همین جور می‌ایستادیم، دفاع میکردیم. بنده از حقّ النَّاس دفاع کردم، از حقّ مردم دفاع کردم. باز هم هر وقتی که مردم رأی بدهند- به هرکسی که مردم بپسندند و بپذیرند و رأی بدهند- بنده از رأی مردم دفاع خواهم کرد؛ پشت سر مردم خواهم ایستاد. رأی مردم حقّ النَّاس است. ما بیخود این اعتمادی را که مردم به نظام دارند، با حرفهای بی‌منطق مخدوش نکنیم. گاهی به وزارت کشور ایراد میگیرند، گاهی به شورای نگهبان ایراد میگیرند.

وجود نهادی با کارکرد شورای نگهبان در همه‌ی دنیا

شورای نگهبان، چشم بینای نظام برای انتخابات است؛ در همه‌ی دنیا هم يك چنین چیزی وجود دارد- حالا اسمش چیز دیگری است؛ اینجا اسمش شورای نگهبان است- مراقبند، ببینند آن کسی که وارد میدان انتخابات

میشود، نامزد انتخابات میشود، آیا صلاحیت دارد یا نه؛ و باید احراز کنند صلاحیت را؛ اگر دیدند که کوتاهی شده است و آدمی که صلاحیت ندارد وارد شده، جلوی او را میگیرند؛ این حق آنها است، حق قانونی آنها است، حق عقلی و منطقی آنها است؛ بعضی بیخود ایراد میکنند.

حق نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ از مصادیق حق الناس

بخشی از این حق الناس، همین حق رأی شورای نگهبان است؛ همین حق نظارت استصوابی و مؤثر شورای نگهبان است؛ این جزو حق الناس است، این را باید رعایت کرد، این را باید حفظ کرد. انتخابات مهم است. این عرض فعلی ما درباره‌ی انتخابات است.

نقش حضور پرشور مردم در حفظ کشور

البته من اعتقاد به حضور پرشور مردم دارم؛ معتقدم کشور را این [حضور] حفظ میکند. در آینده هم اگر زنده بودیم، در این باره باز بیشتر صحبت خواهیم کرد.

آنچه به شما برادران و خواهران عزیز مؤکداً عرض میکنم، این است که بدانید جمهوری اسلامی ایران با این مردم، با این منطق، با این قانون اساسی بر همه‌ی دشمنانش پیروز خواهد شد. شرطش این است که به خدای متعال توکل کنیم، با همدیگر دست برادری و یگانگی مان را مستحکم کنیم، در کشور دودستگی ایجاد نکنیم، همدیگر را تضعیف نکنیم. اگر این جور رعایت بکنیم، خدای متعال هم رعایت خواهد کرد. هرکسی که اسلام را نصرت کند، خدای متعال او را نصرت خواهد کرد.^۱

۱. (۱۸/۰۶/۱۳۹۴) در دیدار اقشار مختلف مردم.

آبان



نقش کار فرهنگی صحیح در دانشگاه در جلوگیری از تکرار فتنه‌ی ۸۸

باید کار فرهنگی دانشگاه این جوری باشد که افرادی تربیت کند مؤمن، متخلق، با اخلاق خوب، انقلابی؛ کار فرهنگی چیزی است که اینها را تأمین کند. کار فرهنگی درست آن چیزی است که جوان ما را انقلابی باریاورد. این کشور انقلاب کرده، به این انقلاب باید پابند بود؛ مبانی این انقلاب را بایستی جزو اصول زندگی خود قرارداد تا بتوانیم پیش برویم؛ معتقد به آرمانها، دوستدار کشور- کشورش را واقعاً دوست داشته باشد- دوستدار نظام، دارای بصیرت و عمق دینی و سیاسی. این جوان بایستی در نگاه دینی و نگاه سیاسی عمق داشته باشد تا به هر شبهه‌ی کوچکی پایش نلغزد، یا اشتباه نکند در زمینه‌های مسائل سیاسی. خیلی‌ها در این حوادثی که در همین فتنه‌ی سال هشتاد و هشت اتفاق افتاد لغزیدند؛ آدمهای بدی نبودند [اما] لغزیدند به خاطر کم بودن بصیرت. خب، شما وقتی میبینی که يك نفری میگوید: «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است» باید چه کار کنی؟ شما که معتقد به نظامی، شما که جانت را حاضر شدی برای نظام و برای حفظ نظام بدهی، تا میبینی يك عده‌ای دارند این جوری شعار میدهند، باید چه کار کنی؟ این، نبودن بصیرت است؛ ملتفت نشدن به وظیفه در لحظه‌ی لازم است. [باید] افرادی تربیت بشوند با اعتماد به نفس، با انگیزه،

سرشار از امید. درست گفته‌اند که یأس بزرگ‌ترین ضرر است؛ مایوس نباید بشوند، باید امیدوار باشند به آینده‌ی کشور؛ جای امید هم هست؛ جای یأس نیست؛ این همه ظرفیت! بنده آن روز در دولت گفتم^۱ - یکی دو ماه پیش - و همه‌ی آقایان تصدیق کردند؛ گفتم اینکه می‌گویند مثلاً فرض کنید رشد فلان کشور اروپایی یک و نیم درصد یا یک درصد است و این چیز عجیبی نیست و ما توقع داریم رشد ما هشت درصد، نه درصد باشد، به خاطر این است که آنها از همه‌ی ظرفیتهایشان استفاده کرده‌اند و ظرفیت خالی مانده‌ای ندارند، [اما] ظرفیتهای ما معطل مانده است؛ ما میتوانیم به رشد ده درصد هم برسیم. این ظرفیتهای باید پر بشود؛ از این ظرفیتهای باید استفاده بشود. خب، جای امید نیست در کشوری که این همه ظرفیت وجود دارد؟

[تربیت افرادی] با فهم درست از موقعیت کشور؛ بفهمند کشور الان در چه وضعی است. همه‌ی دنیا، دشمنان ما یک جور، دوستان ما یک جور، می‌گویند جمهوری اسلامی ایران کشور قدرتمندی است [اما] این آقا در داخل میرود فلان جا سخنرانی میکند، میگوید آقا، ما کسی نیستیم، ما چیزی نیستیم، ما منزوی هستیم! خودکمترین! حالا خودش را کم ببیند؛ ملت را چرا کم میبیند؟ نظام جمهوری اسلامی و کشور را چرا کم میبیند؟ این خودکم بینی خیلی چیز خطرناکی است؛ احساس حقارت؛ که همه‌ی دنیا می‌گویند کشور عزیزی است، کشور مقتدری است، گله دارند، ناراحتند که [ایران] نفوذ پیدا کرده، همه جا را گرفته، این آقا اینجا در داخل، در روزنامه یا در سخنرانی یا در فلان دانشگاه به دانشجوها میگوید نه، ما چیزی نیستیم، ما کسی نیستیم!^۲

۱. (۱۳۹۴/۰۶/۰۴) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت.

۲. (۱۳۹۴/۰۸/۲۰) بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری.



ضرر شروع زودهنگام بحثهای انتخاباتی

اما مسئله‌ی انتخابات. البته تا انتخابات هنوز وقت هست - مثلاً فرض کنید چهل پنجاه روزی هنوز وقت داریم - ما هم مجال داریم تا مطالبی که داریم به مردم عرض کنیم. بنده مخالفم با اینکه دو سال قبل از انتخابات یا یک سال قبل از انتخابات، فضای کشور را ما انتخاباتی بکنیم؛ بنده مخالفم، اما خیلی‌ها این کار را کردند؛ این غلط است. وقتی فضا انتخاباتی شد، لازمه‌ی فضای انتخاباتی رقابت و درگیری - ولو درگیری زبانی - و تبادل انواع و اقسام حرفهای احیاناً نامناسب و زشت به یکدیگر است. فضای انتخاباتی، انسان را از حقایق جاری جامعه و از نیازهای حقیقی جامعه غافل میکند. این کار، کار خوبی نیست، بنده مناسب نمیدانستم که از قبل راجع به انتخابات صحبتی بکنم؛ لکن حالا دیگر تقریباً فصل انتخابات است و بایستی مطالبی را گفت.

نعمت بزرگ انتخابات

اولاً نفس انتخابات خیلی اهمّیت دارد؛ این نعمت بزرگی است. همان طور که در باب نماز جمعه عرض کردیم، در باب انتخابات هم عرض میکنم که انتخابات واقعاً نعمت بزرگی است.

انتخابات؛ از برکات نگاه روشن و عمیق امام (قدس سره)

این هم از برکات نگاه روشن و عمیق امام بزرگوار ما بود. کسانی در همان زمان بودند که معتقد بودند [وقتی] حکومت اسلامی است، انتخابات لزومی ندارد؛ امام فرمود نه، انتخابات باید باشد و منشأ اثر باشد، مردم تصمیم بگیرند، مردم انتخاب کنند و آنچه مردم میخواهند بشود. نتیجه‌ی این سیاست، این شد که مردم در کنار انقلاب و در وسط میدان باقی ماندند و تا امروز بحمدالله باقی مانده‌اند؛ چون خود مردمند که دارند انتخاب میکنند، خود مردمند که دارند تصمیم میگیرند. انتخابات نعمت بزرگی است.

دشمنان ما که حاضرند برای خاطر تشفی قلبهای سیاه و تاریکشان، شب را روز، و روز را شب جلوه بدهند، کشور را متهم میکنند به دیکتاتوری و این حرفها. زمان امام (رضوان الله علیه) هم میگفتند، اوایل انقلاب هم میگفتند: «دیکتاتوری نعلین». نعلین اصلاً قابل دیکتاتوری نیست! طبیعت نعلین طبیعت دیکتاتوری نیست؛ آن طبیعت چکمه است که طبیعت دیکتاتوری است. امام فرمود که ولایت فقیه جلوی دیکتاتوری را میگیرد؛ این فرمایش امام بود و خیلی حرف عمیق و پرمغزی است؛ واقع قضیه هم همین است. انتخابات از جمله‌ی چیزهایی است که بحمدالله [در جمهوری اسلامی] هست. ما این همه هم انتخابات داشته‌ایم [اما] دشمنان ما هم دریغ نکردند از اینکه بگویند اینجا دیکتاتوری است. [در حالی که] دیکتاتورهای منطقه رفیقهای خودشان هستند و بر سر خوان غارت و یغمای ملتها با هم شریکند و سهیمند، به آنها چیزی نمیگویند - مثل همین دولتهایی که مشاهده میکنید و می‌بینید و میدانید - اما جمهوری اسلامی را متهم میکنند. اگر انتخابات نبود، این دیگر تهمت نبود [بلکه] واقعیت میشد؛ یعنی اگر حقیقتاً از مردم این حق گرفته میشد، حرف دشمن راست درمی‌آمد. بحمدالله این حق به مردم داده شده است، انتخابات هم هست، انتخابات هم بحمدالله آزاد است. وجود انتخابات، هم در جو داخلی یک احساس استقلال و هویتی به مردم میدهد و احساس میکنند که همه چیز مال خودشان است

- واقع قضیه هم همین است؛ صاحب مملکت مردمند و خودشان تصمیم میگیرند، خودشان اقدام میکنند؛ هم در قوه‌ی مجریه، هم در قوه‌ی مقننه، هم بالواسطه در مورد رهبری و بقیه‌ی مواردی که انتخابات است - هم مایه‌ی آبرو و اعتبار در خارج از کشور است؛ در جو جهانی، حقیقتاً این انتخابات مایه‌ی اعتبار و آبرو است. بنابراین خود انتخابات، فی نفسه یک امر بسیار مهم و یک نعمت بزرگ است.

گله از تشکیک‌کنندگان در سلامت انتخابات

انتخابات را نباید خراب کرد. بعضی‌ها خوششان می‌آید و کانه عادت دارند که از نزدیکی انتخابات، دائم بر کوس نامطمئن بودن انتخابات بدمند؛ عادت کرده‌اند. این خیلی عادت بدی است، مرض بدی است، چرا؟ انتخابات انتخابات سالمی است. ممکن است در هر انتخابی، یک تخلفی در یک گوشه‌ای انجام بگیرد؛ این ممکن است، همیشه هم از این قبیل اتفاق می‌افتد - خب در کارهای خود ما هم، کارهای شخصی و عمومی و خصوصی مان ممکن است تخلفاتی اتفاق بیفتد - اما تخلفاتی که نتایج انتخابات را تغییر بدهد، مطلقاً وجود ندارد؛ تخلف سازمان‌یافته مطلقاً وجود ندارد؛ عدم رعایت مسئولان دولتی و غیردولتی انتخابات ابداً وجود ندارد. از اول انقلاب تا حالا هم همین جور بوده؛ مسئولان، مسئولانه به مسائل انتخابات [پرداخته‌اند و] همه‌ی دولتهایی که در این بین بوده‌اند. دولتهایی که آمده‌اند و رفته‌اند، بعضی‌ها از لحاظ گرایشهای سیاسی ۱۸۰ درجه با هم تفاوت داشته‌اند اما رفتار همه‌ی آنها در مورد انتخابات، رفتار درستی بوده. [نباید] کسی ادعا کند که در این انتخابات خیانت شد یا [تقلّب] شد. یک وقتی - شاید این را من قبلاً هم گفته‌ام - در مورد انتخابات تهران در یک دوره‌ای، خیلی جنجال شد؛ سروصدا شد و اصرار شد بر اینکه این انتخابات ابطال بشود. بنده گفتم باید تحقیق کنید؛ در تهران دو سه میلیون از مردم آمده‌اند در انتخابات شرکت کرده‌اند، ما رأی اینها را بکلی

باطل کنیم؟ این چه حرفی است! باید تحقیق کنیم ببینیم چه جوری است. تحقیق کردیم، معلوم شد که نه این جور نیست. تحقیق مفصل کردیم؛ بنده در آن سالها صریحاً نوشتم به شورای نگهبان که نخیر، انتخابات نباید دست بخورد. یعنی انتخابات حق مردم است، مال مردم است و ما نمیتوانیم انتخابات را متهم کنیم به اینکه مثلاً فرض کنید که این جور است یا آن جور است؛ نه، انتخابات انتخابات سالمی است، در همه‌ی دوره‌ها سالم بوده، حالا هم ان شاء الله به توفیق الهی همین جور خواهد بود و چهارچوب قوانین و مقررات و وجود آدمهایی که مراقبند، مواظبند، موظفند، نمیگذارد که انتخابات دچار این اختلال بشود. این یک مطلب.

مقصود از حق الناس بودن انتخابات

اما عرض کردیم انتخابات حق الناس است؛^۱ این حق الناس امر مهمی است. خب درزبانها هم زیاد تکرار میشود که فلانی گفته انتخابات حق الناس است و حق الناس است و مدام تکرار میشود؛ منتها خب [باید] به عمق این حق الناس برسیم. معنای حق الناس بودن این نیست که فقط آن کسی که پای صندوق نشسته است باید این حق الناس را رعایت کند که مثلاً فرض کنید آراء را عوضی نخواند یا کم و زیاد نکند؛ این یکی از مصادیق رعایت حق الناس است.

الف) حق داوطلب

یک مطلب، مطلب حق داوطلب است؛ یکی از حقوق مردم، رعایت حق این داوطلبی است که می‌آید و وارد این میدان میشود و نامزد انتخابات میشود که اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او بیاید.

۱. اشاره به مصاحبه‌ی معظم له پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۴

ب) حق مردم در جلوگیری از ورود افراد ناصالح

نقطه‌ی مقابلش هم همین جور است؛ اگرچنانچه آدم ناصالحی است، راهش ندهیم؛ اگرچنانچه در این مجلس - حالا چه مجلس خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی، چه در هر جایی که انتخابات هست - آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود در اینجا را نداشته باشد و ما از این اغماض کنیم، صرف نظر کنیم، رعایت نکنیم، دقت نکنیم و او وارد بشود، این هم باطل کردن حق مردم است، خراب کردن حق مردم است؛ این هم ضد حق الناس است.

ج) امانتداری از آرای مردم

یکی از ابعاد دیگر حق الناس بودن، حفظ امانت است؛ آن کسانی که آراء را در اختیار دارند، آن کسانی که آراء را می‌شمرند، آن کسانی که ثبت میکنند و گزارش میکنند، آن کسانی که جمع می‌بندند و خلاصه آن کسانی که اداری صندوقها به عهده‌ی آنها است، باید کمال امانت را رعایت کنند؛ یعنی در این زمینه‌ها اندک تخلفی، خیانت در امانت است.

د) پذیرش نتیجه‌ی قانونی انتخابات

یک بُعد دیگر حق الناس بودن، پذیرش نتیجه‌ی قانونی انتخابات است؛ [یعنی] وقتی که به یک نتیجه‌ای رسید و مراکز قانونی تصدیق کردند که این است، پذیرش این نتیجه [حق الناس است]؛ ضد آن کاری که در سال ۸۸ انجام شد. خب در سال ۸۸ یک حرف منکر و مستنگری^۱ را آمدند مطرح کردند که تقلب شده است و باید این انتخابات برهم بخورد؛ حالا مردم چقدر شرکت کردند؟ چهل میلیون! چهل میلیون [نفر از] مردم شرکت کردند در یک انتخاباتی و رأی دادند به کاندیداهای مختلف، نامزدهای مختلف؛ این آقایان به ادعای تقلب [این را گفتند]. البته بنده با

۱. زشت، ناپسند، ناخوشایند

اینها خیلی مماشات کردم - حالا کارهای جزئی‌ای که انجام گرفت طولانی است - مماشات کردیم، حرف زدیم، گفتیم بیایید، بگویید بروند صندوقها را نگاه کنند؛ هر تعداد صندوقی که شما میخواهید. اعتناء نکردند، گوش نکردند؛ بنا بر این نبود که زیر بار این حرف حق بروند؛ زیر بار حرف حق نرفتند و برای مملکت خسارت درست کردند. من نمیدانم بنا است که این خسارتهایی که در سال ۸۸ بر ما وارد شد کی جبران بشود؟ واقعاً نمیدانم! هنوز جبران نشده. این هم یکی که نتیجه‌ی انتخابات را همه پذیرند.

ه) رعایت حق در تهیه‌ی فهرستهای انتخاباتی

یک مسئله‌ی دیگر، رعایت حق در سیاهه‌های پیشنهادی است؛ این سیاهه‌هایی که پیشنهاد میکنند، فهرستهایی که برای نامزدها میدهند. آن کسانی که این فهرستها را میدهند، واقعاً رعایت حق را بکنند؛ مسئله‌ی رفیق‌بازی و جناح‌بازی و مانند این چیزها را دخالت ندهند و نگاه کنند ببینند که چه کسی واقعاً شایسته است؛ آن کسی را که شایسته است بگذارند و به مردم معرفی کنند. این هم یک بخش و یک بُعد از رعایت حق الناس است.

و) اعتماد کردن مردم به مجموعه‌های مورد اعتماد

یک بُعد دیگر این است که مردمی که میخواهند رأی بدهند، اعتماد کنند به آن مجموعه‌هایی که واقعاً قابل اعتمادند؛ بعضی‌ها هستند که قابل اعتماد نیستند؛ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطَانُ؛ گاهی این جور نیست که از روی صفا و واقعیت و علاقه‌مندی به انقلاب [باشد] - اساس کار، انقلاب است - و از روی علاقه‌مندی به انقلاب بیایند یک فهرست پیشنهادی را بدهند؛ نه، روی مقاصد دیگر - گاهی اوقات مقاصد فاسد - پیشنهادهایی میدهند. مردم توجه کنند و ببینند که آن فهرستهایی را که پیشنهاد شده

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۷۱؛ «... مانند کسی که شیطانها او را در بیابان از راه به در برده‌اند...»

است از کجا پیشنهاد شده؛ از طرف چه کسی پیشنهاد شده؛ آن کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینانند، قابل اعتمادند انتخاب بکنند. این هم یکی از چیزها است. بنابراین مسئله‌ی حقّ النَّاس که گفتیم این ابعاد را دارد - ابعاد دیگری هم دارد که حالا من نمیخواهم تفصیل بدهم - واقعاً این به این معنا، حقّ النَّاس است.^۱

حضور حدّاکثری در انتخابات؛ موجب استحکام نظام

یک مسئله‌ی مهم در باره‌ی انتخابات، حضور حدّاکثری است که حالا من ان شاء الله بعدها اگر عمر بود تا قبل از انتخابات، راجع به حضور حدّاکثری باز صحبت خواهم کرد. هرچه جمعیت بیشتر در انتخابات شرکت کند، استحکام نظام و اعتبار کشور بالاتر خواهد رفت؛ هرچه بیشتر مردم شرکت کنند، اعتبار نظام بالا خواهد رفت. چون نظام، نظام مردمی است و واقع قضیه این است که متکی به عواطف مردم و احساسات مردم و انتخاب مردم و خواست مردم است. بنده این عقیده را [در مورد حضور] حدّاکثری از قبل هم داشته‌ام و همیشه هم رویش اصرار کرده‌ام، این بار هم اصرار دارم و ان شاء الله بیشتر هم درباره‌اش صحبت میکنم.^۲

لزوم جلوگیری از ورود نفوذیها به مجلس شورای اسلامی و خبرگان

یک مسئله مسئله‌ی نفوذ است؛ نفوذ. ما این مسئله‌ی نفوذ را در قضیه‌ی برجام و پس از برجام مطرح کردیم؛ این خیلی مسئله‌ی عجیب و خیلی مسئله‌ی مهمی است. کسانی که در مسائل گوناگون دسترسی به اطلاعات دارند، خوب میدانند که چه دامی برای کشور گسترده‌اند یا میخواهند بگسترانند برای نفوذ کردن در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت ایران، با انحاء مختلف تداپیروسیاستها و توطئه‌ها؛ این الان در جریان

۱. (۱۳۹۴/۱۰/۱۴) در دیدار آئینه‌ی جمعه سراسر کشور.

۲. همان

است؛ مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه این باشند. اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موریانه از داخل می‌جود و پایه‌ها را سست میکند و فرو میریزد؛ قضیه این جوری است. مسئله‌ی نفوذ خیلی مهم است که حالا من ان شاء الله عرض خواهم کرد.

اهمیت روشنگری صحیح نسبت به نفوذها

البته در این زمینه روشنگری لازم است؛ روشنگری بدون اتهام، بدون تهمت زدن، بدون مصداق معین کردن، اما روشنگری اذهان مردم؛ چیز لازمی است. ببینید، یکی از آن چیزهایی که قرآن کریم خطاب به مخالفین، به یهود در آن روز، [میگوید] و بر آنها ایراد میگیرد این است: لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ یکی از ایرادهای بزرگ این است که شما باطل را با حق مخلوط میکنید، مشتبه میکنید؛ «لبس» یعنی اشتباه، «تلبسون» [یعنی] مشتبه میکنید حق را با باطل، وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ، حق را کتمان میکنید. حقیقت را باید بیان کرد که این وظیفه‌ی ما است.

احساس خطر دشمن از صدور انقلاب؛ عامل تلاش او برای نفوذ

برادران عزیز! امروز روز حساسی است، روزگار، روزگار فوق العاده حساسی است. یک دستگاه پیگیر و یک جبهه‌ی فراگیر علیه انقلاب اسلامی مشغول کارند؛ پول به بازار می‌آورند، سلاح به بازار می‌آورند، توطئه می‌آورند، به قول خودشان اتاقهای فکر دارند و دائم دارند کار میکنند؛ علت هم این است که احساس خطر میکنند. حق با آنها است، واقعاً باید احساس خطر کنند؛ چون فکر اسلامی از محدوده‌ی نظام جمهوری اسلامی خارج شده. خودش خارج شده؛ من بارها مثال زده‌ام و گفته‌ام مثل هوای خوش، مثل باد لطیف، مثل بوی گل؛ بوی گل را که نمیشود در باغ محصور کرد، بوی گل می‌آید و

اطراف باغ پخش میشود. تفکر انقلابی، تفکر اسلامی ناب، تفکر اسلامی که دارای حاکمیت است و نه اسلامی که صرفاً حرف زدن است و همین طور بظاهر و به صورت تقدس مآبانه یک احترام ظاهری ای برایش قائلند و هیچ هم به آن عمل نمیکنند، اسلامی که منشأ اثر است در ساخت جامعه و نظام جامعه. این یک فکری است که امروز در دنیای اسلام منتشر شده است و یک جاهایی انسانهای قوی و کارآزموده‌ای را پرورش داده و تربیت کرده، لذا احساس خطر میکنند. فکر هم میکنند که قانون این حرکت عظیم و همه‌گیر اسلامی، جمهوری اسلامی است؛ باید اینجا را بمباران فکری و بمباران سیاسی بکنند و دارند میکنند؛ انواع و اقسام کارها را میکنند: پول خرج میکنند، توطئه میکنند، میروند و می‌آیند در سطوح مختلف که با جمهوری اسلامی، با ایران اسلامی چه کار کنیم. همه‌ی کارهایی را هم که برایشان ممکن است انجام میدهند - ما خبر داریم؛ یعنی این چیزی که بنده عرض میکنم تحلیل نیست، اطلاع است - از تحریکات داخلی، از تحریکات اشرار، از پول خرج کردن، از دامهای اخلاقی پهن کردن؛ انواع و اقسام کارها را دارند انجام میدهند برای اینکه بتوانند این نفوذ را انجام بدهند؛ بایستی به این توجه داشت و این بسیار مهم است^۱.

چشم طمع آمریکا به انتخابات

آمریکایی‌ها به این انتخابات چشم طمع دوخته‌اند؛ اینها در ایران دنبال تحوّلند؛ ما هم دنبال تحوّلیم. بنده بارها گفته‌ام که جامعه نمیتواند ساکن بماند، باید پیش برویم، تحوّل پیدا کنیم، تغییر پیدا کنیم؛ منتها تحوّل ما به سمت اسلامی شدن کامل [است]. چون الان اسم ما اسلامی است اما خوب خیلی راه داریم تا اسلامی کامل بشویم؛ مرتّب باید پیش برویم و روزبه‌روز نزدیک تر بشویم به آن اهدافی که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای جامعه‌ی اسلامی معین و مقرر کرده است؛ باید تلاش کنیم. ما هم معتقد

۱. (۱۴/۱۰/۱۳۹۴) در دیدار آئینه‌ی جمعه سراسر کشور.

به تحوّلیم اما تحوّل آنها ضدّ تحوّل ما است؛ آنها که میخواهند تحوّل در ایران انجام بگیرد یعنی ما از آن اهداف، دائم دور بشویم؛ هرچه نزدیک شدیم دور بشویم، مدام عقب‌گرد کنیم و برویم به سمتی که آنها میخواهند. چشم طمع دوخته‌اند به همه‌ی حوادث داخلی کشور ما؛ در اینجا دو نفر از آدمهای شاخص که با همدیگر اختلاف نظر پیدا میکنند آنها چشم طمع میدوزند؛ و از جمله به انتخابات؛ به انتخابات هم چشم طمع دوخته‌اند.^۱

وظیفه‌ی مردم؛ حرکت بر ضدّ خواست دشمن

ملت ایران بایستی علی‌رغم دشمنان، حرکت خود را - چه در این انتخابات و چه در هر مسئله‌ی مهمّ دیگر اجتماعی - درست ضدّ خواست دشمن انجام بدهد و به دهان دشمن بکوبد.^۲

تقابل ملت ایران و دشمنان بر سر ماندگاری انقلاب

همه‌ی همّت آنان این است که این ماندگاری را یک جوری به هم بزنند؛ همه‌ی همّت من و شما باید این باشد که این ماندگاری را افزایش بدهیم. از اوّل انقلاب دائم در فکر این بودند که این را از بین ببرند: جنگ تحمیلی به خاطر همین بود؛ جنگهای قومیتها در اطراف کشور به خاطر همین بود؛ محاصره‌ی اقتصادی به خاطر همین بود؛ تحریمهای شدیدی که در این سالهای اخیر برقرار کردند برای همین است؛ تشکیل گروه‌های تکفیری در شرق و در غرب کشور ما همه برای همین است که این انقلاب را از بین ببرند، این ماندگاری را که برای اینها بسیار بهت‌آور و سخت و دردآور است، از بین ببرند؛ همه‌ی همّتشان این است.^۳

۱. (۱۳۹۴/۱۰/۱۴) در دیدار آئینه‌ی جمعه سراسر کشور.

۲. همان

۳. (۱۳۹۴/۱۰/۱۹) در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ماه سال ۱۳۵۶ مردم قم.

طرح ابتکاری آمریکا برای انجام کودتای رنگین در سال ۸۸

هر روز هم یک ابتکاری درست میکنند؛ این کارهایی که در سال ۸۸ کردند، از ابتکارات جدید بود که ابتکار آمریکایی‌ها بود. البته در چند جای دیگر تجربه کرده بودند، مخصوص ما نبود؛ در چند کشور دیگر این را تجربه کرده بودند، بعد آمدند همین تجربه را در کشور ما پیاده کنند که آن جور تودهنی خوردند. این ابتکار این بود که به بهانه‌ی انتخابات، در یک کشوری که حالا در آن انتخابات هست و فرض کنیم یک دولتی سرکار است که مورد قبول آمریکا نیست و منافع آمریکا را آن چنان که آنها دلشان میخواهد تأمین نمیکند، انتخاباتی کرده‌اند و این دولت رأی آورده است؛ بعد بیایند آن اقلیتی را که رأی نیاورده است بکشانشان داخل میدان، بیاورند در خیابان. و برای اینکه این اقلیت را برجسته کنند و دیده شود، یک رنگی را مشخص میکنند؛ ارغوانی، گلی، سبز و مانند اینها؛ آنچه به ما رسید سبزش بود که قبل از آن در جاهای دیگر، رنگهای قرمز و نارنجی و مانند اینها را درست کرده بودند که آن اقلیتی را که رأی نیاورده است با [این] ترفند بکشانشان داخل خیابان. [چون] مردمند دیگر - واقعاً هم مردمند؛ منتها مردمی هستند که نامزد مورد نظر آنها رأی نیاورده است؛ در مردم بودنشان شکی نیست - هر جا باشند، ایستادگی کنند؛ آنها هم مرتب کمک کنند و اگر لازم شد پول بدهند، کمک سیاسی کنند، اگر لازم شد حتی سلاح به دست آنها بدهند تا نتیجه‌ی انتخابات را به هم بزنند. این کار را در چند کشور انجام دادند و موفق شدند؛ آمدند اینجا هم انجام بدهند، خوب نتوانستند؛ اینجا هم عین همان قضیه بود.

البته دوستان ما آن اوقاتی که این قضایا اتفاق افتاد، به بنده مرتب توصیه کردند که اسم انقلاب رنگی را نیاورم؛ من هم چون معتقد به مشورتم - بالاخره مشاورین نظر دارند و اهل فکرند - اسم انقلاب رنگی نیاوردم اما خوب انقلاب رنگی بود؛ در واقع کودتای رنگی، یک کودتای رنگی ناموفق. خوب این خیلی مهم است؛ این اتفاقی که در کشورهای دیگر - در چهار

پنج کشور- آمریکایی‌ها با پول، با امکانات انجام دادند و موفق شدند؛ در جمهوری اسلامی موفق نشد؛ با اینکه پشتیبانی کردند.

رئیس‌جمهور آمریکا اندکی قبل از آن قضایا به بنده نامه نوشته بود -نامه‌ی دوم- و کلی اظهارات موافقانه با بنده‌ی حقیر و با نظام جمهوری اسلامی [کرده بود]؛ بنده هم قصد داشتم جواب بدهم و نمیخواستم جواب ندهم؛ بعد که این قضایا اتفاق افتاد، سریعاً موضع‌گیری کرد به نفع همان کسانی که علیه نظام، علیه انقلاب، علیه اسم اسلام در جمهوری اسلامی در خیابانهای تهران ظاهر شدند و تمام کارهایی را که مخالفین کردند، مورد تأیید اینها قرار گرفت؛ البته بیشتر از این میخواستند بکنند، نتوانستند.

حالا هم یک عده از مخالفین رئیس‌جمهور فعلی آمریکا میگویند شما در سال ۸۸ حمایت کامل نکردید از آن کسانی که علیه جمهوری اسلامی بودند؛ ولی چرا، حمایت کردند؛ منتها خب ملت ایران بموقع حرکت کرد، بموقع وارد صحنه شد، کار درست را انجام داد^۱.

ضرورت تأمین عناصر ماندگاری انقلاب

غرض این است که این ماندگاری مسئله‌ی مهمی است؛ این ماندگاری را بایستی به عنوان یک هدف در نظر داشت و در این فکر بود که چگونه تأمین خواهد شد. نگاه کنید ببینید عناصر ماندگاری انقلاب چیست، آن عناصر را باید تک تک ما تأمین کنیم، همه‌ی ما باید تأمین کنیم. البته این را عرض کردم که تحلیل آن به عهده‌ی شما جوانها است. این دوره‌ی بعد از قضایای مذاکرات هسته‌ای را خود آمریکایی‌ها اسم‌گذاری کرده‌اند: «دوره‌ی سخت‌گیری بر ایران»، سخت‌گیری باید بکنیم؛ خیلی خب، حالا سخت‌گیری که بیشتر از سخت‌گیری‌های گذشته نیست. جوانان ایران، ملت ایران، مسئولان کشور بایستی آگاهانه، هشیارانه، امیدوارانه، با شهامت، با توکل به خدای متعال، با تکیه‌ی بر نقاط قوت فراوانی که دارد،

۱. همان.

در مقابل دشمنی دشمنان بایستند؛ این خیلی مهم است. هر لحظه‌ای وظیفه‌ای هست، آن وظیفه را باید شناخت و بایستی انجام داد.^۱

انتخابات؛ دمیدن یک نفس تازه به ملت

مسئله‌ی انتخابات را مطرح کنم؛ یکی از کارها همین انتخابات است. انتخابات در واقع یک نفس تازه دادن به ملت ایران است؛ [ملت ایران] یک نفس تازه‌ای پیدا میکند، طبیعت انتخابات این است.^۲

شرکت پرشور در انتخابات؛ از عناصر حفظ‌کننده‌ی کشور و انقلاب

اینکه ملت ایران بیایند تک‌تک وارد میدان بشوند و رأی بدهند [که] آقا عقیده‌ی من این است، فلانی باید مسئول باشد - حالا چه در ریاست جمهوری، چه در مجلس شورای اسلامی، چه مجلس خبرگان؛ هر کدام از اینها جداگانه در جای خود اهمیت فراوانی دارد - هر فردی از احاد ملت که این احساس مسئولیت را بکند، خودش یکی از آن عناصر حفظ‌کننده‌ی انقلاب است. حضور مردم یکی از آن عناصری است که دشمن را ناکام میکند. اینکه ما تکیه میکنیم، تأکید میکنیم، اصرار می‌ورزیم بر اینکه مردم همه شرکت کنند در انتخابات و من بارها این را قبلاً گفته‌ام - حالا چندبار یادم نیست - که حتی آن کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ کشور، برای اعتبار کشور بیایند در انتخابات شرکت کنند. ممکن است کسی بنده را قبول نداشته باشد، عیبی ندارد اما انتخابات مال رهبری نیست، مال ایران اسلامی است، مال نظام جمهوری اسلامی است. همه باید بیایند در انتخابات شرکت کنند؛ این موجب میشود که نظام جمهوری اسلامی تقویت بشود، پایداری آن و ماندگاری آن تأمین بشود، کشور در حصار امنیت کامل باقی بماند - که خب بحمدالله امروز هست - این موجب میشود که

۱. همان.

۲. همان.

ملت ایران در چشم ملت‌های دیگر آبرو پیدا کند و اعتبارش بالا برود؛ در چشم دشمنانش آبهت پیدا کند ملت ایران؛ انتخابات این است. بنابراین اصل انتخابات حضور مردم در پای صندوقهای رأی و رأی دادن آنها است. همه باید شرکت کنند؛ شرکت در انتخابات آبروی نظام جمهوری اسلامی است، آبروی اسلام است، آبروی ملت ایران است، آبروی کشور است. این مسئله‌ی اوّل است.^۱

ضرورت تلاش برای انتخاب صالح

مسئله‌ی دوّم درست انتخاب کردن است. خب آراء و سلايق ممکن است مختلف باشد، عیبی ندارد اما همه سعی کنند درست انتخاب کنند. سعی مان را بکنیم؛ ممکن است این سعی به نتیجه برسد و انتخاب درست باشد؛ ممکن است سعی ما به نتیجه نرسد و غلط انتخاب کنیم، عیبی ندارد؛ خدای متعال از ما قبول خواهد کرد، چون کار خودمان را کرده‌ایم، تلاش خودمان را کرده‌ایم، سعی خودمان را کرده‌ایم. مثلاً حالا دو انتخابات درپیش داریم: انتخابات مجلس و انتخابات خبرگان.^۲

اهمّیت مجلس شورای اسلامی

خب مجلس خیلی مهم است؛ هم از لحاظ قوانین، هم از لحاظ ریل‌گذاری برای حرکت دولتها - این ریل را مجلس میگذارد تا این قطار حرکت کند و به سمت هدفها برود - هم در مسائل بین‌المللی. ملاحظه میکنید که بحمدالله مجلس کنونی ما، در مسائل بین‌المللی، مواضع خیلی خوبی میگیرد؛ این خیلی برای کشور مغتنم است. این کجا، و اینکه یک مجلس شورائی ما تشکیل بدهیم که در مقابل دشمنان بین‌المللی و جبهه‌ی متحد دشمنان، حرف آنها را بزند [کجا]؛ اینها خیلی با هم فرق

۱. همان.

۲. همان.

میکند. این کجا که مجلسی داشته باشیم که چه در قضیه‌ی هسته‌ای و چه در قضایای گوناگون دیگر، حرف دشمن را تکرار نکند؛ یا اینکه نه، مجلسی مستقل، آزاد و شجاع باشد؛ همان جوری که مردم شعار میدهند، داخل مجلس شعار بدهند؛ همان جوری که مردم میخواهند، در داخل مجلس موضع‌گیری کنند؛ این خیلی مهم است. مجلس شورای اسلامی، بنابراین، هم برای مسائل داخلی کشور، هم برای اعتبار جهانی و بین‌المللی کشور، خیلی دارای اهمیت است و یکایک افراد نماینده دخیلند.^۱

لزوم رأی دادن بر اساس فهرست احزاب انقلابی و مؤمن

شما میخواهید رأی بدهید، فلان شهر یک نماینده دارد، فلان شهر - مثلاً فرض کنید فلان استان - ده نماینده دارد؛ خب هر کدام از اینها نقشی دارند، فعالیتت‌ی دارند؛ انسان باید به شکل اطمینان بخشی به نتیجه برسد. به نظر بنده این جور میرسد که چون یکایک افراد را ممکن است شناسیم - خود بنده هم وقتی این فهرستها را می‌آورند که بیایم رأی بدهم، بعضی از آدمهای این فهرستها را نمی‌شناسم اما اعتماد میکنم به آن کسانی که [اینها را] معرفی کرده‌اند، و نگاه میکنم بینم آن کسانی که این فهرست را معرفی کرده‌اند چه کسانی هستند؛ اگر دیدم اینها آدمهای متدین و مؤمن و انقلابی‌ای هستند، به حرفشان اعتماد میکنم و به [فهرست] آنها رأی میدهم؛ اگر دیدم نه، کسانی که این فهرست را داده‌اند کسانی هستند که به مسائل انقلاب، به مسائل دین، به مسائل استقلال کشور خیلی اهمیتی نمیدهند، دلشان دنبال حرف آمریکا و غیر آمریکا است، به حرفشان اعتماد نمیکنم؛ به نظر من این راه خوبی است - نگاه کنیم بینیم این فهرستی که به ما داده میشود برای مجلس شورای اسلامی یا مثلاً برای مجلس خبرگان، این فهرست را چه کسی دارد به ما میدهد. به افرادی اعتماد بکنیم که واقعاً به دین داری اینها و به تقید اینها اعتقاد داشته باشیم؛ بدانیم اینها متدینند،

۱. همان.

بدانیم انقلابی‌اند، بدانیم در خط‌ند، در راه امامند، امام را واقعاً قبول دارند؛ راهش این است که اینها را بدانیم.^۱

مأجور بودن رأی‌دهندگان بر اساس تحقیق

اگرچنانچه کسانی این جور عمل بکنند و این تحقیق را بکنند، کار خودشان را انجام داده‌اند؛ خدای متعال ثواب خواهد داد، ولو اینکه در یک مورد، اشتباه هم اتفاق بیفتد. مثلاً آن کسی که من خیال کردم آدم خوبی است و به او رأی دادم، اتفاقاً آدم مطلوبی نباشد ولی من تلاش خودم را کرده‌ام و خدای متعال اجر خواهد داد.^۲

اهمیت مجلس خبرگان

مجلس خبرگان هم خیلی مهم است. مجلس خبرگان، بظاهر - اگر به چشم ظاهری نگاه کنیم - هر سالی دو مرتبه می‌آیند دور هم جمع میشوند، می‌نشینند بحث‌های سیاسی و غیرسیاسی میکنند و بعد هم متفرق میشوند؛ نباید به این چشم نگاه کرد به مجلس خبرگان. مجلس خبرگان بنا است که رهبرانتخاب کنند؛ [این] شوخی است؟ آن روزی که رهبر فعلی در دنیا نباشد یا رهبر نباشد، باید اینها رهبرانتخاب بکنند. چه کسی را انتخاب خواهند کرد؟ آیا کسی را انتخاب خواهند کرد که در مقابل هجمه‌ی دشمن بایستد، به خدا توکل کند، شجاعت نشان بدهد، راه امام را ادامه بدهد؟ آیا چنین کسی را انتخاب میکنند یا کسی را انتخاب میکنند که جور دیگری است؟ این خیلی مهم است. کسی را شما میخواهید برای مجلس خبرگان انتخاب بکنید که در واقع، او رهبر را انتخاب خواهد کرد که کلید حرکت انقلاب در دست او است؛ این خیلی اهمیت دارد، این کار کوچکی نیست. لذا باید تحقیق کرد، باید اعتماد پیدا کرد. پس بنابراین، اصل انتخابات

۱. همان.

۲. همان.

و شرکت در انتخابات به عنوان یک اصل، یک مسئله است، مسئله‌ی انتخاب اصلح یا صالح هم یک مسئله است که این هم باید مورد توجه قرار بگیرد.^۱

نقش شناخت شاخصهای انقلابیگری در ماندگاری انقلاب

مسئله‌ی شاخصهای انقلابیگری هم خیلی مهم است؛ یعنی واقعاً بدانیم شاخصها چیست، شاخصهای انقلابیگری را درست پیدا کنیم، در ذهن خودمان مشخص بکنیم، از کسانی که مطلع‌تر از ما هستند بپرسیم. اگر این کارها انجام بگیرد، این ماندگاری انقلاب، بدون تردید، خواهد بود.^۲

بیشتر بودن رویشهای انقلاب نسبت به ریزشها

دو خصوصیت وجود دارد در عمل به این وظایف: یک خصوصیت همین است که انقلاب ماندگار خواهد شد. بدیهی است که ما، هم ریزش داریم، هم رویش داریم؛ بارها بنده گفته‌ام این را. کسانی هستند که یک روز انقلابی بودند، بعد فردا به خاطر یک عارضه‌ای، یا بحق یا بناحق، از انقلاب روبرمیگردانند. بعضی‌ها هستند که یک کار خلاف توقعشان انجام میگیرد - فرض کنید یک ظلمی در یک جایی بهشان میشود - حق با آنها است اما این موجب میشود که از انقلاب روبرگردانند؛ این کار ناحق است. بعضی‌ها هم به خاطر مسائل شخصی، مسائل خانوادگی و مسائل گوناگون، از انقلاب روبرمیگردانند. این میشود ریزش؛ اینها ریزشهای انقلاب است. همه‌ی انقلابها ریزش دارند، همه‌ی نهضت‌های اجتماعی ریزش دارند اما در کنار این ریزشها رویش [هم] هست. من اطلاعات کم نیست، من از خیلی جاها مطلعم؛ بنده وقتی نگاه میکنم، رویشها را بیش از ریزشها میبینم؛ این همه جوان مؤمن، این همه تحصیل‌کرده‌ی مؤمن، این همه افراد تحلیلگر مؤمن،

۱. همان.

۲. همان.

این همه افراد کارآمد در مسائل فنی و در مسائل علمی، همه مؤمن؛ اینها رویشهای انقلاب است. یک روزی در این کشور، مشکل ما [این] بود که همه‌ی کسانی که میتوانستند در دانشگاه‌های ما درس بدهند، به پنج هزار نفر نمیرسیدند. اول انقلاب این جوری بودیم؛ یک عده‌ای رفته بودند، یک عده‌ای نمی‌آمدند، یک عده‌ای صلاحیت نداشتند. [اما] امروز ما ده‌ها هزار نفر استاد مؤمن در عرصه‌ی کارهای دانشگاهی داریم؛ استادان مؤمن، آنهایی که واقعاً به انقلاب پایبندند و معتقدند از بُن دندان؛ این چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست، اینها را انقلاب تربیت کرده است. این همه جوان مؤمن نویسنده، هنرمند، عالم، فنّاور، مبلغ، سخنور؛ در عرصه‌های گوناگون، در مسائل داخلی در مسائل خارجی. اینها رویشهای انقلابند، رویشهای سرسبز و آماده؛ این خیلی با ارزش است. بنابراین، اگر ما به وظایفمان در زمینه‌ی انقلاب عمل کنیم، معنای این، ماندگاری افزایش این رویشها و انبوه شدن این رویشها است.^۱

بیعت با پیامبر (ص) و جانشینان بحق او؛ عامل فرود آمدن آرامش الهی

دوم، آرامشی است که به دل انسان می‌نشیند. خدای متعال در قرآن درباره‌ی بیعت با پیغمبر می‌فرماید: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ^۲؛ ای پیامبر ما! آنهایی که با تو بیعت کردند - خدای متعال میدانست که در دل‌های اینها چیست - این بیعت با آن انگیزه‌ی صادقانه موجب میشود که خدای متعال سکینه و آرامش را بر دل‌های آنها نازل کند. وقتی سکینه بر دل‌ها نازل شد، دغدغه‌ها از بین خواهد رفت، نگرانی‌ها از بین خواهد رفت، ناامیدی از بین خواهد رفت. امروزیکی از کارهای مهم دشمنان ایجاد ناامیدی و تزریق ناامیدی

۱. همان.

۲. سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۱۸؛ «براستی خدا هنگامی که مؤمنان، زیر آن درخت با تو بیعت میکردند از آنان خشنود شد، و آنچه در دل‌هایشان بود باز شناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد...».

است؛ در بخشهای مختلف جوان را ناامید کنند، پیر را ناامید کنند، انقلابی سابق را ناامید کنند. این آرامش و سکینه‌ی الهی، امید به انسان می‌دهد. بیعت با پیغمبر این جوری است. شما امروز وقتی با انقلاب بیعت می‌کنید و بیعتتان را تازه می‌کنید و تجدید می‌کنید، با پیغمبر بیعت کردید. آن کسی که امروز با امام خمینی بیعت می‌کند، با پیغمبر بیعت کرده. وقتی شما خط انقلابی امام را زنده نگه میدارید و نمی‌گذارید مندرس بشود، نمی‌گذارید رنگ کهنگی بگیرد، در واقع با پیغمبر بیعت کردید؛ با پیغمبر که بیعت کردید، آن وقت: *أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ*^۱؛ [این] در یک آیه‌ی دیگر [است]؛ در این آیه: *فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ*؛ خدای متعال آرامش را به دلها خواهد داد. وقتی آرامش داشتید، اطمینان قلب داشتید، آن وقت در عرصه‌ی مقابله‌ی با دشمن دچار حیرت نمی‌شوید، دچار ناامیدی نمی‌شوید، دچار تزلزل نمی‌شوید؛ امروز بر اساس این سکینه و این آرامش، انسان میتواند یقین کند که ملت ایران بر آمریکا و توطئه‌هایش قطعاً پیروز خواهد شد.^۲

شباهت انتخابات به رقابتهای ملی بین آحاد کشور

در مورد انتخابات توجه کنیم که انتخابات یک رقابت است، یک مسابقه‌ی ملی است بین آحاد کشور؛ اگر این مسابقه خوب و سالم و قوی برگزار شد، در بین این تیمهای مختلف هر تیمی ببرد، افتخارش مال فدراسیون خواهد بود. این جوری است دیگر. وقتی تیمهای ورزشی خوب بازی کنند، چه تیم الف، چه تیم ب، چه تیم پ اگر ببرد، فدراسیون از بازی قوی و سالم اینها به خود می‌بالد. انتخابات هم همین جور است؛ اگر ملت ایران، خوب، قوی، جازم و عازم وارد میدان بشود و صندوقهای رأی را از رأی

۱. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۲۶؛ «آنگاه خدا آرامش خود را بر فرستاده‌ی خود و بر مؤمنان فرود آورد...».

۲. تکبیر و شعار مرگ بر آمریکا توسط حضار.

۳. (۱۳۹۴/۱۰/۱۹) در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ماه سال ۱۳۵۶ مردم قم.

خود و عزم خود پُرکند، ایران خواهد بالید، جمهوری اسلامی خواهد بالید و افتخار خواهد کرد؛ حالا هر که ببرد، هر که ببازد. در واقع بُرد و باختی برای ملت وجود ندارد؛ ملت در هر صورت برنده است. این نکته‌ی اساسی در باب انتخابات است.^۱

عناصر تأمین‌کننده‌ی سلامت انتخابات (الف) شرکت همگانی و بانشاط در انتخابات

خب، رقابت سالم و مسابقه‌ی سالم چیست؟ رقابت سالم این است که همه خوب بازی کنند، همه خوب حرکت کنند. شرط اول همین طور که عرض کردیم، شرکت همگان است؛ همه بیایند. بنده در صحبت قبلی هم این را به همه گفتم که آن کسانی که ممکن است نسبت به نظام جمهوری اسلامی هم حتی مسئله داشته باشند، نسبت به امنیت کشور که دیگر مسئله ندارند، نسبت به اقتدار کشور که دیگر مسئله ندارند. خب، امروز این نظام، امنیت کشور را حفظ کرده است، پیشرفت کشور را تسریع کرده است، به این ملت عزت داده است؛ اینها که دیگر قابل انکار نیست، اینها را که دوست دارند؛ [پس] وارد این میدان بشوند برای عزت بخشیدن به ایران و ایرانی، برای استمرار امنیت ملی، برای تضمین پیشرفتی که بحمدالله از اول انقلاب شروع شده و تا امروز بی وقفه پیش رفته؛ برای اینها باید وارد بشوند. همه باید وارد بشوند. البته آن کسی که محض رضای خدا و برطبق وظیفه وارد میدان میشود، علاوه بر این خیرات، یک دستاورد دیگری هم دارد که بسیار عظیم است و آن دستاورد، رضای الهی است، رضای خدا است. این، شرط اول است: همه وارد بشوند و با نشاط وارد بشوند؛ و من به شما عرض بکنم که وارد هم میشوند. این ملتی که ما دیده‌ایم و این آگاهی و بصیرتی که این ملت از خود نشان داده، به فضل الهی، به اذن الهی، به توفیق الهی ان شاء الله ملت عزیزمان وارد خواهد شد.^۲

۱. (۱۳۹۴/۱۰/۳۰) بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات

۲. همان.

کمین دشمنان برای سوء استفاده از حضور کم رنگ مردم در انتخابات یک عده‌ای کمین کرده‌اند که با عدم ورود مردم در عرصه‌ی انتخابات یا با تحریم انتخابات یا با سست کردن انتخابات - که حالا اشاره خواهم کرد - یک مچ‌گیری از نظام جمهوری اسلامی بکنند؛ یک عده‌ای کمین کرده‌اند. ملت در مقابل این کمین‌کرده‌های نابکار، کارآمدی خودش را نشان داده است، امروز هم نشان خواهد داد. این حرف اول من و مهم‌ترین حرف من در همه‌ی دوره‌های انتخابات بوده است، الان هم هست: شرکت همگانی و بانشاط مردم.^۱

ب) حضور با بصیرت و انتخاب انسانهای صالح

مسئله‌ی دوّم که سلامت انتخابات و سلامت این رقابت را تأمین و تضمین میکند، این است که مردم با بصیرت، با فکر وارد بشوند و انسانهای صالح را انتخاب بکنند. آدمهایی را انتخاب بکنند که وقتی رفت در آن مسند نشست - حالا آن مسند هرچه باشد؛ چه مسند عضویت در مجلس خبرگان باشد یا در مجلس شورای اسلامی باشد یا ریاست جمهوری باشد - خودش را سپربلای مشکلات کشور قرار بدهد، فانی در خدمات و مصالح و منافع عمومی مردم باشد، کشور را به دشمن نفروشد، مصالح کشور را برای رودربایستی با این و آن زیر پا نگذارد؛ باید این را انتخاب کنند. این میشود یک انتخابات خوب.^۲

اهمّیت جلوگیری از ورود مخالفان نظام به مجلس

بله، بنده گفته‌ام و باز هم میگویم که آن کسانی که حتی نظام را قبول ندارند بیایند در انتخابات شرکت کنند، رأی بدهند، اما نه اینکه کسی که نظام را قبول ندارد، بخواهند مجلس بفرستند. هیچ‌جای دنیا چنین

۱. همان.

۲. همان.

چیزی وجود ندارد که [وقتی] ما گفتیم آقا شما که نظام را قبول نداری بیا، بگوید خیلی خوب، پس اجازه بدهید من به کسی رأی بدهم که او هم نظام را قبول ندارد؛ این معنی ندارد. در هیچ جای دنیا در مراکز تصمیم‌گیری، آن کسی که اصل نظام کشور را قبول ندارد راه نمیدهند؛ [حتی] یک جاهایی با اندک تهمتی طرف را کنار میزنند. همین کشور آمریکا که امروز خودش را نماد آزادی و مانند اینها معرفی میکند و یک عده آدمهای ساده لوح هم قبول میکنند و ترویج میکنند، در آن دورانی که جریان چپ در دنیا وجود داشت - اینها البته حالا مطرح نیست - اینها هرکسی را به اندک بیانی که نشان‌دهنده‌ی یک گرایش ضعیف به تفکرات اقتصادی سوسیالیستی مثلاً بود، با قاطعیت رد میکردند. کمونیست نبود، معتقد به کمونیسم هم نبود، معتقد به سوسیالیسم هم نبود، اما [اگر] یک رگه‌ی مختصری در مسائل اقتصادی نشان میداد، ردش میکردند؛ همین جایی که حالا اسم آزادی و اسم دموکراسی و مانند اینها را می‌آورند و به ما اعتراض میکنند که شما چرا شورای نگهبان دارید. بی‌حیاها! بنابراین اینکه ما مقید باشیم کسی برود در مجلس که نظام را، مصالح کشور را، ارزشهای اساسی کشور را تأیید بکند، تقویت کند، دنبال بکند، یک حق عمومی است. این هم در انتخابات و در سلامت انتخابات مؤثر است.^۱

ج) عمل به مرقانون

نکات دیگری هم وجود دارد: همه به قانون تمکین کنند. من خیلی خوشم آمد که دیدم آقایان محترم، هم جناب آقای جنتی (حفظه الله)، هم جناب آقای رحمانی فضلی، روی مسئله‌ی قانون‌گرایی تکیه کردند؛ این توصیه‌ی همیشگی ما است. بنده همیشه به دست‌اندرکاران ذی‌ربط در قضیه‌ی انتخابات تأکیدم این است که می‌گویم پا را جای قرصی بگذارید؛ جای قرص، نقطه‌ی قانونی است؛ قانون. مرقانون را رعایت کنید.^۲

۱. همان.

۲. همان.

د) احترام به نهادهای قانونی

به نهادهای قانونی اهانت نشود؛ این را توجه کنید. یک نهاد قانونی را که یک وظایفی دارد، نباید مورد افترا قرار بدهیم یا مورد اهانت قرار بدهیم. نهاد قانونی، نهاد قانونی است؛ نه اینکه اشتباه نمیکند؛ هر نهاد قانونی‌ای مثل همه‌ی آدمها، مثل این حقیر پُراز تقصیر و اشتباه ممکن است اشتباه کنیم اما این موجب نمیشود که ما یک نهاد قانونی را مورد اهانت قرار بدهیم، در انظار عمومی، در تبلیغاتمان، در حرفهای خودمان تخفیف کنیم؛ نه، این باب اگر باز شد، هرج و مرج خواهد شد. خب، سلیقه‌ی جنابعالی این است، به فلان نهاد قانونی بی‌احترامی میکنی، یکی دیگر سلیقه‌ی دیگری دارد، به آن نهاد قانونی‌ای که توبه آن وابسته هستی بی‌احترامی میکند؛ این خوب است؟ این باب را باز نکنند.^۱

ه) پرهیز از تشویش اذهان عمومی

اذهان عمومی را مشوّش نکنند که آقا، معلوم نیست چه خواهد شد، نمیدانیم چه خواهد شد. این کار بسیار غلطی است؛ قبلاً هم من تذکر داده‌ام؛ بگذارید مردم همچنان که حق است، همچنان که واقع است، با شوق، با ذوق، با نشاط بروند به سمت انتخابات. تشویش افکار عمومی کار بسیار غلطی است؛ مردم را به انتخابات بدبین نکنند.^۲

و) خودداری نامزدها از تخریب دیگر نامزدها

نامزدهای انتخاباتی به یکدیگر اهانت نکنند؛ خب، جنابعالی نامزد هستید، معتقدید که آدم صالحی هستید، آدم برجسته‌ای هستید؛ بسیار خوب، از خودتان هرچه میخواهید تعریف کنید بکنید اما به رقیبتان اهانت نکنید، به رقیبتان تهمت نزنید، از رقیبتان غیبت هم نکنید؛ تهمت و افترا

۱. همان.

۲. همان.

یعنی نسبتی بدهید که واقعیّت ندارد، [اما] غیبت یعنی نسبتی بدهید که واقعیّت دارد؛ غیبت هم نباید بکنید. بنابراین این هم یک وظیفه است و یک معیار است برای سلامت انتخابات. نمایندگان بروند آنچه را در وسعشان، در قدرتشان، در صلاحیتشان هست، برای مردم بیان کنند؛ مردم هم نگاه میکنند، خوششان می آید رأی میدهند، خوششان نمی آید رأی نمیدهند؛ این میشود [انتخابات] سالم.^۱

ز) پرهیز نامزدها از وعده‌های غیر عملی

وعده‌های غیر عملی ندهند؛ بعضی از نامزدها، وعده‌هایی به مردم میدهند که خودشان هم میدانند از دست آنها ساخته نیست؛ شما که نمیتوانی این وعده را عملی کنی، چرا به مردم وعده میدهی؟ چرا مردم را امیدوار میکنید به چیزی که میدانید نخواهد شد؟ گاهی وعده‌های غیر قانونی میدهند! [میگویند] فلان عمل را انجام میدهیم درحالی که میدانند آن عمل خلاف قانون است؛ یا خلاف قانون اساسی است، یا خلاف قانون عادی است؛ وعده‌های این جوری هم ندهند؛ شعارهای غیر قانونی ندهند. با مردم صادقانه باید برخورد کرد؛ همه‌ی ملت ما این جور هستند که صداقت را احساس میکنند، درک میکنند؛ وقتی ما غیر صادقانه برخورد کردیم، ممکن است کسانی یک لمحّه‌ای^۲ و لحظه‌ای به اشتباه دچار بشوند لکن بعد حقیقت معلوم خواهد شد؛ باید صادقانه با مردم رفتار کرد، صادقانه باید با مردم حرف زد. این جزو آداب حتمی انتخابات سالم است.^۳

شکرگزاری نسبت به نعمت بزرگ انتخابات با برگزاری سالم انتخابات

بنابراین انتخابات، همین طور که آقای جنّتی درست فرمودند، یک نعمت بزرگ و یک فرصت بزرگ است؛ شکرگزاری لازم دارد این نعمت

۱. همان.

۲. لحظه، زمان کوتاه.

۳. همان.

بزرگ؛ شکرگزاری اش به این است که همه‌ی ما در هر جا که هستیم، سعی کنیم این را خوب برگزار کنیم، سالم برگزار کنیم و نگذاریم با رفتارهای ما، با حرفهای ما، با بعضی از سنسجیده‌گویی‌هایی که گوشه‌وکنار انسان می‌شنود، این عمل بزرگ، این حرکت بزرگ، این افتخار بزرگ مشوّش و مُشوّه^۱ بشود؛ این را حواسمان باشد؛ حادثه‌ی بسیار بزرگی است.^۲

لزوم صبر و استقامت برای دست‌اندرکاران انتخابات

شما هم دست‌اندرکار این کار بزرگ هستید؛ بدانید، بله، زحمات زیاد است، مشکلات زیاد است، توقّعات زیاد است، گاهی اوقات تیرهای تهمت هم به طرف شماها - هر جا که هستید؛ چه در هیئت‌های اجرائی، چه در هیئت‌های نظارت؛ چه در وزارت کشور، چه در شورای نگهبان - سرازیر میشود؛ اینها هست لکن بدانید اجرتان پیش خدا خیلی زیاد است؛ چون کار، کار بزرگی است. چون به کار بزرگی اشتغال دارید، [اگر] ان شاء الله نیّتان نیّت الهی باشد، انجام وظیفه‌ی اسلامی و انقلابی باشد، اجرتان پیش خدای متعال بزرگ است؛ بنابراین از سختی این کار و ازدشواری این راه واهمه نکنید و کار را با بهترین وجهی دنبال کنید. این راجع به انتخابات.^۳

عیدی برای انتخابات

ما دو عید در پیش داریم؛ یک عید انقلاب که روز بیست و دوّم بهمن است و سه روز دیگر است؛ یک عید انتخاب؛ انتخابات هم در واقع عید است. این دو عید را باید گرامی بداریم. این دو عید دو عید پرمعنا و پرمضمون است برای ما.^۴

۱. زشت.

۲. همان.

۳. همان.

۴. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش به مناسبت روز نیروی

هوایی؛ در حسینیه‌ی امام خمینی (ره) ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

انتخابات؛ تزریق خون تازه در کالبد نظام جمهوری اسلامی

انتخابات تزریق خون تازه در کالبد نظام جمهوری اسلامی است؛ تجدید قوا و تجدید نیرو برای ملت است. یک عده‌ای می‌آیند مسئولیتهایی را به عهده می‌گیرند و کارهایی را انجام می‌دهند؛ مقداری میتوانند، مقداری نمیتوانند، بعضی میتوانند، بعضی نمیتوانند؛ برای ملت این حق قرارداد شده است که در یک مقطع معینی - در مورد مجلس یا ریاست جمهوری و غیره چهارساله، در مورد خبرگان با یک فاصله‌ی بیشتر- بیایند وسط میدان و تصمیم‌گیری کنند که این باشد و آن نباشد. انتخابات یعنی این؛ یعنی یک روح جدید، یک خون تازه و یک نفس نوبه کشور و به ملت و به مردم دادن؛ انتخابات این است. اینکه بنده اصرار میکنم همه در انتخابات شرکت کنند برای این است. انتخابات وقتی همگانی شد و وقتی همه شرکت کردند، کشور عزت پیدا میکند، نظام جمهوری اسلامی عزت پیدا میکند، کشور بیمه میشود، نظام جمهوری اسلامی بیمه میشود. انتخابات، بیعت تازه‌ای با آن هدفهای عالی است؛ این معنای انتخابات است. لذا برای همه‌ی مردم فریضه میشود که در این حادثه‌ی بزرگ شرکت کنند^۱.

انتخابات؛ از بین برنده‌ی طرح دشمن برای دوقطبی کردن کشور

یکی از هدفهای دائمی جبهه‌ی دشمن - که در رأسش هم آمریکا است - از اوّل انقلاب تا امروز این بوده است که یک دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به وجود بیاورد؛ درست عکس آن چیزی که جمهوری اسلامی بر اساس آن بنا شده است؛ یعنی آمیختگی کامل نظام با مردم. آنها خواسته‌اند این شکاف را به وجود بیاورند؛ البتّه موفق نشده‌اند. انتخابات از جمله‌ی مواردی است که دشمن را در این عرصه مأیوس میکند؛ یعنی نشان‌دهنده‌ی ارتباط مستحکم نظام با مردم است و این دوقطبی مورد علاقه‌ی دشمن را بکلی از بین میبرد. به این اعتبار، انتخابات مصداق «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ» است^۲.

۱. همان.

۲. همان.

یاری جمهوری اسلامی؛ بزرگ‌ترین مصداق «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» قرآن می‌گوید: ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛^۱ اگر شما خدا را نصرت کردید، خدای متعال هم شما را نصرت خواهد کرد. نصرت کردن خدا چیست؟ چه جوری است؟ نصرت کردن خدا یعنی سعی در تحقق اراده‌ی تشریحی الهی در روی زمین. جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین مصداقش است؛ هرکسی که جمهوری اسلامی را به هر شکلی نصرت کند، «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ» است؛ خدا را نصرت کرده است. آن وقت جوابش چیست؟ یَنْصُرْكُمْ؛ خدا هم شما را نصرت میکند. مگر نشده این جوری؟ مگر همین از اول انقلاب جواب نداده؟ مگر امتحان نشده؟ از اول انقلاب تا امروز چه کسانی با ما مواجه بودند؟ واقعاً یک نگاه دقیقی همه بکنند؛ البتّه اهل فکر و نظر این نگاه را میکنند. از اول انقلاب، قدرتهای مادّی درجه‌ی یک دنیا روبه‌روی نظام جمهوری اسلامی بودند و نتوانستند کاری بکنند. انقلاب وقتی در یک کشوری وارد بشود، طبیعت انقلاب این است که یک مقدار آشفستگی و نابسامانی به وجود می‌آورد. اینها در آن روزهای نابسامانی اول، سعی کردند کشور را تجزیه کنند؛ سعی کردند کودتا کنند، نشد؛ جنگ تحمیلی را راه انداختند و هشت سال جنگ بر این مملکت تحمیل کردند؛ از همان روزهای اول تحریم کردند؛ این تحریمهایی که شما می‌بینید، دنباله‌ی تحریمهای اولی است و البتّه روزبه‌روز هم تشدید کردند. خب، کدام کشور میتواند ایستادگی کند؟ کدام کشور میتواند در مقابل این همه تهدید مقاومت کند؟ اما نظام جمهوری اسلامی و ایران اسلامی مقاومت کرد؛ نه فقط خود را نگه داشت، خود را تقویت کرد. امروز قدرت جمهوری اسلامی با روزهای اول قابل مقایسه نیست؛ به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، در یک مواردی یک قدرت جهانی؛ در یک مسائلی کشور شما یک قدرت جهانی است؛ در عداد^۲ قدرتهای جهانی است؛ نظرورآیش در برخی از مسائل عالم

۱. سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷

۲. شمار

از نظر و رأی قدرتهای درجه‌ی یک دنیا مؤثرتر است؛ امروز این جوری است؛ تبدیل شده به یک چنین چیزی. یعنی نصرت الهی آمد، «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» ای که شما کردید، دنبالش «يَنْصُرْكُمْ» را آورد، خدا یاری کرد شما را؛ اگر خدا یاری نمی‌کرد نمیشد. این «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» را ادامه باید داد. حضور مردم در انتخابات، یکی از همین چیزها است.^۱

سکوت رهبری درباره‌ی حرفهای تردیدافکن

من البته در باب انتخابات، زیاد حرف دارم. چیزهایی هم می‌گویند، حرفهایی این روزها زده میشود که بنده نمی‌خواهم پردازم به آن حرفها که مایه‌ی تشویش افکار عمومی و مایه‌ی تردید دل‌های مردم میشوند؛ حرفهای نامناسب و غلط، فقط با نگاه سیاسی به مسائل نگاه کردن، نگاه خدایی را بکلی کنار گذاشتن؛ از این حرفها گاهی این روزها شنیده میشود. من نمی‌خواهم فعلاً به این چیزها پردازم.^۲

عزت و ایستادگی در برابر دشمن با انتخابات

آنچه من می‌خواهم عرض بکنم، این است که ملت بداند عزت او، افتخار او، اقتدار او، ایستادگی او در مقابل جبهه‌ی دشمن، به این است که وظایف انقلابی خودش را خوب انجام بدهد و یکی از مهم‌ترین‌هایش انتخابات است؛ این خطاب به ملت.^۳

ضرورت پرهیز مسئولان از فراموش کردن مسائل اصلی کشور در دوران انتخابات

یک خطاب هم به مسئولین دارم در مورد انتخابات. خب، مسئولین، مسئولین دولتی حقاً زحمت میکشند، تلاش میکنند؛ هم برای برگزاری

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

انتخابات، هم برای مسائل دیگر مشغول تلاشند و زحمت میکشند. من میخوام بگویم مسائل تبلیغاتی و روزنامه‌ای انتخابات، مسئولین کشور را از مسائل مستمر و دنباله‌دار و اساسی غافل نکند.^۱

وظیفه‌ی مسئولان؛ مقاوم‌سازی کشور در قلمرو اقتصاد

انتخابات خیلی مهم است؛ همین‌طور که گفتیم و خواهیم گفت، در نهایت اهمیت است اما انتخابات یک مسئله‌ی مقطعی است، مال یک مقطع خاص است، این مقطع تمام میشود، آنچه باقی میماند، مسائل اساسی کشور است که یکی از این مسائل، مسئله‌ی اقتصاد کشور است؛ مقاوم‌سازی کشور در قلمرو اقتصاد، در مجموعه‌ی کار اقتصادی که دشمن نتواند از طریق اقتصاد بر کشور فشار وارد کند و خواسته‌ی خودش و اراده‌ی خودش را تحمیل کند.

... توصیه‌ی من به مسئولین محترم کشور این است که این جنجالهای روزنامه‌ای مربوط به انتخابات، سراینها را گرم نکند، مشغول نکند؛ به فکر اقتصاد باشید... ببرند منابع کشور را به سمت تولید، نه به سمت وابستگی بیشتر، نه به سمت واردات. آن وقت مسئله‌ای مثل مسئله‌ی انتخابات وقتی پیش می‌آید، همه‌ی حواسها را پرت کند، همه [به آن] پردازند؛ خب نه، این مسئله مسئله‌ی گذرا است؛ کسانی که باید فکر کنند دارند فکر میکنند، کسانی که باید عمل کنند دارند عمل میکنند؛ مسئولین کشور ذهنشان را به این چیزها مشغول نکنند.^۲

۱. همان.

۲. همان.

بهمن



خسته نشدن از تکرار مطالب لازم از جمله در زمینه‌ی انتخابات

من قبل از بیست و دوم بهمن عرض کردم^۱ که ما دو عید در پیش رو داریم: یکی عید انقلاب است که بیست و دوم بهمن بود، یکی عید انتخابات است؛ انتخابات هم عید بزرگی است برای کشور. ما درباره‌ی انتخابات خیلی حرف زده‌ایم؛ نه این انتخابات هفته‌ی آینده، در کل انتخاباتها در سراسر کشور، در طول زمان آنچه لازم است عرض کرده‌ایم، باز هم عرض خواهیم کرد و باز هم خواهیم گفت. بنده از گفتن حقیقت خسته و ملول نخواهم شد و می‌گویم برای مردم آنچه لازم است ان شاء الله^۲.

عزت ملت ایران؛ دلیل خشم و دشمنیهای آمریکا و دنباله‌روانش

انقلاب اسلامی دوران تحقیر ملت ایران را خاتمه داد؛ قبلاً ملت ایران به وسیله‌ی بیگانگان و قدرتها تحقیر میشد؛ تحقیر علمی میشد، تحقیر سیاسی میشد، تحقیر اجتماعی میشد. آنچه را قدرتها مسلط و عمدتاً آمریکا در این سالهای آخر مایل بودند، به سران رژیم پهلوی دیکته میکردند و آنها هم عیناً همان را عمل میکردند؛ قبل از آمریکا هم انگلیسیها این نقش

۱. مقصود معظم‌له بیاناتی است که در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ ایراد فرموده‌اند.

۲. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

را در کشور ایفا می‌کردند؛ انقلاب اسلامی آمد این تحقیر غیر قابل تحمل را برطرف کرد و به کشور و به ملت عزت داد، استقلال داد و انسانیت او را مطرح کرد. وقتی یک ملت احساس هویت کرد، آن وقت استعدادها در او شکوفا میشود و شد؛ استعدادها شکوفا شد، کشور پیشرفت کرد. امروز کشور در ردیف عزتمندترین کشورهای دنیاست؛ ملت ایران جزو آبرومندترین ملت‌های دنیاست در چشم دشمنان خود، چه برسد به دوستان؛ این برای دشمنان ما قابل تحمل نیست. این برای آمریکا که یک روزی اینجا مثل حیاط خلوتش بود و برای رژیم صهیونیستی که اینجا یک روز آرامشگاهش بود و می‌آمدند اینجا استراحت می‌کردند، غیر قابل تحمل است؛ برای دشمنان ملت ایران اینکه یک ملتی صریحاً بایستد و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نظرات قاطع خود را علیه استکبار بیان بکند و به دیگر ملت‌ها جرئت بدهد، قابل تحمل نیست، لذا هرچه میتوانند دارند تلاش میکنند. این تلاش دشمن تا کی ادامه خواهد داشت؟ تا وقتی که شما ملت ایران به آن چنان قدرتی دست پیدا کنید که بتوانید آنها را مایوس کنید؛ همه‌ی تلاش دشمن مصروف این میشود که مانع رسیدن شما به این مرحله بشود. همه‌ی دعوایی که شما ملاحظه کردید بر سر مسئله‌ی هسته‌ای راه انداختند، حرفهایی که در باب حقوق بشر می‌زنند، تهدیدهایی که میکنند، تحریمهایی که کردند و باز هم تهدید میکنند که تحریم میکنیم، برای این است که این ملت را در این راهی که پُرشتاب دارد حرکت میکند، از شتاب بیندازند و آن را متوقف کنند؛ البته انگیزه‌ی ملت ایران انگیزه‌ای است که با این چیزها کم نخواهد شد، کم‌رنگ نخواهد شد.^۱

ضرورت بیان نیات دشمن به مردم توسط رهبری

خب، مسئله‌ی انتخابات در پیش است؛ من چیزهایی را که می‌بینم، چیزهایی را که احساس میکنم، باید با ملت عزیزمان در میان بگذارم.

بعضی از حرفها را باید به مسئولین محترم بگویم و میگویم، بعضی از حرفها را باید افکار عمومی ملّتان مورد توجه قرار بدهند و من وظیفه دارم آنها را به ملّتان عرض بکنم: دشمن درصدد آن است که افکار عمومی ما را از اهداف خود و نیّات پلید خود غافل نگه دارد؛ برنامه‌هایی را می‌چینند، قطعات جداگانه‌ای را در جاهای مختلف تدارک می‌بینند تا این قطعات را به هم وصل کنند، آن وقت آن نقشه و توطئه‌ی اصلی آنها تحقّق پیدا کند؛ ما باید نگذاریم. چه کسی باید نگذارد؟ ملّت. کشور مال شما است، کشور مال ملّت است، صاحب کشور، ملّت عزیز ما است؛ او باید نگذارد؛ منتها امثال این حقیر هم وظیفه داریم که ملّت عزیز را آگاه کنیم.^۱

تغییر استراتژی دشمن از برگزار نشدن انتخابات به خراب کردن آن

من می‌بینم که در زمینه‌ی انتخابات، دشمنان دارند تلاش می‌کنند؛ می‌خواهند انتخابات آن جوری که آنها می‌خواهند برگزار بشود. البته ته دلشان این بود که انتخابات برگزار نشود؛ چند سال قبل از این در یک دوره‌ای تلاش هم کردند که بلکه بتوانند کاری کنند که انتخابات برگزار نشود؛ خدای متعال نگذاشت؛ از آن مأیوسند و میدانند که سعی آنها برای متوقف کردن انتخابات کشور به جایی نخواهد رسید، لذا می‌خواهند اعمال نفوذ کنند در انتخابات و هر جور میتوانند انتخابات را خراب کنند؛ مردم باید آگاه باشند و نقطه‌ی مقابل آنچه آنها می‌خواهند، عمل کنند.^۲

یکی از توطئه‌های جدّی دشمن؛ تخریب شورای نگهبان

یکی از کارهایی که آنها امروز بجد دنبال می‌کنند این است که شورای نگهبان را تخریب کنند؛ ببینید برادران و خواهران عزیز! تخریب شورای نگهبان معنا دارد. آمریکاییها از اوّل انقلاب با چند نقطه‌ی اساسی در کشور و

۱. همان.

۲. همان.

در نظام جمهوری اسلامی بشدت مخالف بودند که یکی اش شورای نگهبان بود؛ سعی کردند، تلاش کردند و از بعضی افراد داخلی غافل و بی توجه هم سوءاستفاده کردند بلکه بتوانند بساط شورای نگهبان را جمع کنند - البته نتوانستند و نمیتوانند - حالا درصددند تصمیم های شورای نگهبان را زیر سؤال ببرند.^۱

اهداف خطرناک دشمن از تخریب شورای نگهبان

معنای این کار چیست؟ جوانهای عزیز ما به این درست توجه کنند؛ وقتی تصمیم های شورای نگهبان زیر سؤال رفت و ادعا شد که اینها غیر قانونی است، معنایش چیست؟ معنایش این است که انتخاباتی که پیش رو است، غیر قانونی است؛ وقتی انتخابات غیر قانونی شد، برخلاف قانون شد، نتیجه اش چیست؟ نتیجه اش این است مجلسی که بر اساس این انتخابات تشکیل خواهد شد، غیر قانونی است؛ معنای غیر قانونی بودن مجلس این است که در طول چهار سال هر قانونی که در این مجلس بگذرد، اعتبار ندارد و بی اعتبار است؛ یعنی کشور را چهار سال در خلأ مجلس و خلأ قانون نگه داشتن؛ معنای تخریب شورای نگهبان این است و دشمن این را میخواهد. البته آن کسانی که با دشمن در داخل هم صدایی میکنند، بیشترشان ملتفت نیستند چه کار میکنند. من متهم نمیکنم کسی را به خیانت؛ ملتفت نیستند، توجه ندارند اما واقع قضیه این است. تخریب شورای نگهبان، اینکه شورای نگهبان را ما زیر سؤال ببریم و بگوییم که تصمیم گیری هایشان برخلاف قانون بوده است، تخریب شورای نگهبان نیست، تخریب انتخابات است، تخریب مجلس است، تخریب چهار سال قانون گذاری در مجلس است؛ دنبال این هستند. ببینید، نقشه را چه زیرکانه میکشند. این را من باید به افکار عمومی بگویم؛ افکار عمومی باید بدانند این را؛ آن کسی که علیه شورای نگهبان حرف میزند، خودش

۱. همان.

ملتفت نیست و توجه ندارد که چه کار دارد میکند اما کار این است. تلاش دشمن متمرکز است بر اینکه جمهوری اسلامی را از مردم سالاری دینی - این پدیده بی نظیر، این پدیده بدیع، این پدیده جذاب برای ملت‌های مسلمان - محروم کنند؛ تلاششان این است. اگر میتوانستند انتخابات را متوقف میکردند که نتوانستند و نخواهند توانست؛ اگر میتوانستند شورای نگهبان را از بین میبردند یا نظارت او را بی اثر میکردند که نتوانستند. حالا که نتوانستند، به این راه‌ها متوسل شدند، از این راه‌ها دارند وارد میشوند؛ باید حواسمان جمع باشد.^۱

نقش بسیار مهم مجلس شورای اسلامی در ریل‌گذاری حرکت دولت

مجلس خیلی مهم است؛ مجلس شورای اسلامی جایگاه بسیار با اهمیتی است. چرا؟ چون مجلس ریل‌گذار حرکت دولت است. دولت‌ها را در نظر بگیرید مثل یک قطاری که بر روی یک ریلی باید حرکت کنند؛ این ریل را مجلس شورای اسلامی با قوانین خود میگذارد. البته در گذاشتن قانون، دولت و مجلس همکاری میکنند؛ دولت لایحه میدهد، مجلس لایحه را کم و زیاد میکنند، اصلاح میکنند، تصویب میکنند. این ریل گذاشته میشود و دولت باید روی این ریل حرکت بکند. اگر چنانچه مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، به دنبال پیشرفت علم، پیشرفت فناوری، به دنبال عزت ملی و استقلال ملت باشد، ریل‌گذاری او به سمت این هدفها خواهد بود؛ اگر مجلس مرعوب غرب باشد، مرعوب آمریکا باشد، دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری باشد، ریل‌گذاری او در این جهت‌ها خواهد بود؛ کشور را بدبخت خواهند کرد. اهمیّت مجلس اینها است؛ اینها چیز کمی است؟ اهمیّت مجلس همان‌طور که امام فرمودند به این است که در رأس امور است.^۲ معنای «رأس امور» این نیست که در

۱. همان.

۲. صحیفه‌ی امام، ج ۱۷، ص ۱۱۵.

سلسله مراتب اجرایی، مجلس نقشی دارد یا نماینده‌ی مجلس نقشی دارد؛ نه، مجلس در سلسله‌ی مراتب اجرایی هیچ نقشی ندارد؛ دستگاه عظیم دولت است که اجرا میکند، اما مجلس تعیین‌کننده‌ی مسیر است، مسیر را معین میکند؛ دولت‌ها موظفند و مجبورند برطبق قانون که در این مسیر حرکت کنند؛ روی این ریل حرکت کنند. خب، این ریل را چه کسی بنا است بگذارد؟ چه کسی بنا است این ریل‌کشی را بکند؟ به کدام سمت بنا است این ریل گذاشته بشود؟ این است که اهمّیت نمایندگی مجلس و نمایندگان مجلس را روشن میکند. خب، البتّه دشمن همه‌جورکاری انجام میدهد. این مربوط به مجلس شورای اسلامی بود.^۱

اهمّیت بیشتر مجلس خبرگان از جهت اصولی و زیربنایی

مجلس خبرگان از لحاظ اهمّیت اصولی و اساسی و زیربنایی از این هم مهمتر است. مجلس خبرگان به مسایل جاری کشورکاری ندارد اما مسئله‌ی تعیین رهبری است. چه کسی را رهبر خواهند کرد، چه کسی بنا است تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار اصلی کشور باشد؟ این بستگی دارد به اینکه در مجلس خبرگان چه کسانی باشند. مجلس خبرگان آن مجلسی است که در وقت لازم رهبر را معین میکند؛ اگر مردمی باشند دل‌بسته‌ی به انقلاب، دل‌باخته‌ی ملت، آگاه از توطئه‌های دشمن، ایستاده و پایدار در مقابل دشمن یک جور عمل میکنند، اگر خدای نکرده این چیزها نباشد، جور دیگری عمل میکنند. لذا الان دشمن بر روی مجلس خبرگان هم حسّاس است.

دخالت آشکار انگلیسیها در انتخابات

رادیوی انگلیسی دارد به مردم تهران دستورالعمل میدهد به فلانی رأی بدهید، به فلانی رأی ندهید! معنای این چیست؟ انگلیسیها دلشان تنگ شده برای دخالت کردن در ایران. یک روزی بود که پادشاه کشور

۱. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

وقتی میخواست تصمیم مهمی بگیرد، سفیر انگلیس را صدا میکرد و از او میپرسید که این کار را بکنم یا نکنم. انگلیس ها یک روزی این جور در امور کشور دخالت میکردند؛ بعد هم آمریکاییها، یک مدتی هم هر دو؛ امروز این دستها قطع شده است؛ امروز جلوی این دخالتها گرفته شده است به برکت انقلاب، به برکت بیداری مردم؛ دلشان تنگ شده، حالا از راه رادیو به مردم دارند دستور میدهند به فلانی رأی بدهید، به فلانی رأی ندهید.^۱

لزوم اقدام کردن عکس خواسته‌های دشمن

اینکه ما عرض میکنیم در انتخابات، مردم با بصیرت، با آگاهی، با دانایی وارد بشوند، به خاطر این است؛ بدانند دشمن چه میخواهد؛ وقتی شما دانستی دشمن چه میخواهد، عکس او عمل میکنی؛ معلوم است.^۲

انتخابات؛ مظهر بیداری و دفاع از استقلال و انقلاب اسلامی

اهمیت این انتخابات به خاطر این است که این انتخابات مثل همین راهپیمایی چند روز قبل - بیست و دوم بهمن - مظهر بیداری ملت ایران است، مظهر دفاع از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است، مظهر دفاع از استقلال کشور است، مظهر دفاع از عزت ملی است. اینکه بنده به همه‌ی ملت ایران عرض میکنم که حضور پیدا کنید، شرکت کنید، اعلام نظر کنید به خاطر این است؛ مسئله مهم است.^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.